



سید حسن ابٹھی

کتاب
علی
علیہ السلام

نوشتہ:
سید حسن البطحی

ابطحی، سید حسن، ۱۳۱۴
کتاب علی (علیه السلام) / نوشته سید حسن ابطحی.
تهران: سیمای دوست، ۱۳۹۳.

۱۲۸ ص. ۵۵۰۰۰ ریال - شابک ۲ - ۷۹ - ۶۳۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
علی بن ابیطالب (علیه السلام)، امام اول، ۲۳ سال قبل از هجرت، -- ۴۰ ق -- آثار منسوب.
BP۳۹ / ۶ / الف ۱۶ کی ۲ ۱۳۹۲
۳۳۸۱۹۳۴ ۲۹۷ / ۹۵۱۶

شناسنامه کتاب

نام کتاب: کتاب علی (علیه السلام)
مؤلف: سید حسن ابطحی
ناشر: سیمای دوست
تعداد صفحات: ۱۲۸
نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۹۳
چاپخانه: کمیل
شمارگان ۳۰۰۰
قطع رقعی

شابک ۲ - ۷۹ - ۶۳۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۱۱۹۰۹۱۵



قیمت ۵۵۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ الْمَلِكُ الْحَمْدُ الْمُنْتَظَرُ الْمُهْدَى



بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

بدون تردید در لسان اهل لغت در زبان عربی، امر از عالی به دانی است، یعنی هیچ گاه ما به فردی که در علم و دانش و عصمت پائین تر از دیگری است نمی گوئیم که به آن انسان اوّلی، دوّمی امر کرد، بلکه در اینجا می گوئیم او سؤال کرد و کلمه «امر» از دانی به عالی غلط است و از نظر قرآن و اسلام عالی کسی است که در علم و دانش و عصمت و فضائل اخلاقی، و روحی بر دوّمی مقدّم باشد و بقیّه عناوین ظاهری و بی محتوا در اسلام ممنوع است. مثلاً ما هیچ گاه نمی گوئیم جاهلی بر عالمی امر کرد و یا مردم به خدای تعالی امر کردند بلکه می گوئیم، مردم از خدای تعالی، سؤال نمودند.

همیشه کلمه «سؤال» از دانی به عالی است و کلمه «امر» از عالی به دانی است و این مسئله مورد اتفاق همه اهل لغت بوده و هست.

بنابراین اگر شخصی بعد از خدای تعالی بر همه مردم دنیا از نظر علم و عصمت و تقوی و جمیع فضائل حقیقی برتری داشته باشد، از مقام علو واقعی برخوردار است و بر همه مردم می تواند امر کند و هیچ کس نباید به او امر نماید و بلکه کلمه امر در اینجا بسیار غلط است و باید کلمه «سؤال» به آن شخص دانی اطلاق بشود، از همین جاست که شیعه نام مقدّس امام دوازدهم را «صاحب الامر» گفته است زیرا آن حضرت می تواند بر تمام مردم دنیا، آنهایی که در روی کره زمین هستند امر کند و کسی از او امر او نباید تخطی نماید و اطاعت امر او که «صاحب امر» و «اولی الامر» است، واجب است. البته این وجوب در زمان زندگی ظاهری هر امامی در دنیا، نسبت به مردم آن زمان، درباره آن امامی که زمام امور مردم را در دست دارد ساری و جاری است، لذا ما نسبت به هر یک از ائمه اطهار علیهم السلام آنها را واجب الإطاعة، درباره مردم زمان خود می دانیم و در اوصاف امام هر زمان می گوئیم: او امام مفترض الطاعة است. این به معنای آن نیست که اطاعت ائمه اطهار علیهم السلام بر سایر مردم واجب نیست، بلکه به خاطر آن است که ائمه اطهار علیهم السلام هر چه از علوم در اختیار دارند از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به آنها رسیده و همه آنها یکی هستند، که فرموده اند: «كُلُّنا واحد». «اوّلنا محمّد آخرنا محمّد اوسطنا محمّد و کُلُّنا محمّد صلی الله علیه و آله». و معنای این جمله این است که کلام همه ما یکی است،



آنچه هریک از ما می‌گوئیم در حقیقت فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله خاتم الانبیاء است و از جانب پروردگار به عنوان وحی در احکام و معارف به ائمه اطهار علیهم السلام وحی نشده و تنها به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله همه حقایق و معارف که مربوط به دین و اسلام است وحی شده و ختم گردیده است و آنچه به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وحی شده، برای ائمه اطهار علیهم السلام آن حضرت بیان فرموده‌اند.

البته ناگفته نماند که در شرح و تفسیر و تأویل و شأن نزول آیات قرآن باز هم به وسیله وحی الهی و املاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط امیر المومنین علیه السلام در کتابی به نام کتاب علی بن ابیطالب علیه السلام نوشته شده که حتی «ارش خدش» را در آن بیان فرموده‌اند و همه آنچه از ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان روایت به ما رسیده، ممکن است از همان کتاب باشد و گاه گاهی ائمه اطهار علیهم السلام به مطالب آن کتاب اشاره فرموده و گفته‌اند در کتاب علی علیه السلام، مطلب چنین و چنان است.

کتاب علی بن ابیطالب علیه السلام که از حدود هزار و چهارصد سال قبل به دست فراموشی سپرده شده و در محضر امام عصر علیه السلام باقی مانده و گاه گاهی در احادیث معصومین علیهم السلام به صورت حکایت و نقل قضایا از آن نام برده شده، که از کلمات معصومین علیهم السلام استفاده می‌شود که آن کتاب، تفسیر و تأویل و بیان شأن نزول قرآن مجید

است، که در حقیقت بیانگر ثقل اصغر می باشد. که در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله (که منظور قرآن مجید است) و عترتی»^(۱) که آن چه از عترت در زمان ما و قبل از ما باقی مانده و بیان شده است، مضامین این کتاب مقدس است که در کنار قرآن مجید بیانگر سخنان ثقل اصغر، یعنی عترت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

پس در واقع موقعیت کتاب علی علیه السلام، همان علوم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است که بعضی از آنها را گاه با تقیه، و گاهی بدون تقیه، زبانا بیان کرده اند. و بقیه آن را برای زمانی که دنیا به وسیله امام زمان علیه السلام پر از عدل و داد شود و بشریت لایق فهم حقایق علوم اولین و آخرین که در قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ودیعت گذاشته شده، گردد، می باشد.

جمعی از علماء و مفسرین به اشتباه آن حقایق را که گاهی به وسیله ائمه اثنی عشر علیهم السلام بیان گردیده، به عنوان خود قرآن و تحریف قرآن ذکر کرده اند که ما می دانیم این مطلب اشتباه است زیرا که آیه شریفه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^(۲) و آیه «لَا يَأْتِيهِ

۱ - مستدرک الوسائل جلد ۳ صفحه ۳۵۵ باب ۱ حدیث ۳۷۶۶ و بحار الانوار جلد ۲

صفحه ۱۰۳ باب ۱۴ حدیث ۵۹.

۲ - سوره مبارکه حجر آیه ۹.



الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»^(۱) و کلمات معصومین علیهم السلام در باب فضیلت قرائت قرآن و قرائت سور کامله در نمازهای فریضه و ثواب قرائت قرآن جدای از نماز، دلیل بر تحریف نشدن قرآن شریف است.

این کتاب به وسیله ظهور امام عصر علیه السلام ظاهر می شود و اگر خلفای خود ساخته بعد از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یا مردم زمان وفات آن حضرت آن را می پذیرفتند و ائمه اطهار علیهم السلام از باب تقیه که موجب کشته و مسموم گردیدن آنها و دوستانشان گردید آن کتاب عظیم را برای مردم بیان می کردند امروزه امام عصر علیه السلام غائب بود و نه کتاب علی علیه السلام در پرده غیبت می ماند و آن بیست و هشت حرف علم که بعد از ظهور ظاهر می شود،^(۲) قبلاً ظاهر شده بود و همه علوم مادی و معنوی که خدا مقرر فرموده بود بشریت بداند، در اختیارش قرار می گرفت. در این باره روایاتی آمده است از جمله:

۱ - در کتاب کمال الدین و تمام النعمه از سلیم بن قیس هلالی روایت شده که:

الْمُظَفَّرُ الْعَلَوِيُّ عَنْ ابْنِ مَسْرُورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَصْرِ عَنْ

۱ - سوره مبارکه فصلت آیه ۴۲.

۲ - بحار الانوار جلد ۵۲ صفحه ۳۳۶.

الْخَشَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ بُهْلُولٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ
قُرَّةَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عِيَّاشٍ عَنْ
سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ الْهَلَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا وَأَمْلَاهَا عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَا بِخَطِّي وَ
عَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا وَنَاسِخَهَا وَمَنْسُوخَهَا وَ مُحْكَمَهَا وَ
مُتَشَابِهَهَا وَ دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُعَلِّمَنِي فَهَمَّهَا وَ حَفِظْتُهَا فَمَا نَسِيتُ
آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا عِلْمًا أَمْلَاهُ عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَا وَ مَا تَرَكَ
شَيْئًا عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ حَلَالٍ وَ لَا حَرَامٍ وَ لَا أَمْرٍ وَ لَا نَهْيٍ وَ مَا
كَانَ أَوْ يَكُونُ مِنْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا عَلَّمَنِيهِ وَ حَفِظْتُهَا فَلَمْ أَنْسَ مِنْهُ
حَرْفًا وَاحِدًا ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى صَدْرِي وَ دَعَا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِأَنْ
يَمْلَأَ قَلْبِي عِلْمًا وَ فَهْمًا وَ حِكْمَةً وَ نُورًا وَ لَمْ أَنْسَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا وَ لَمْ
يَفْتِنَنِي مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ لَمْ أَكْتُبْهُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَتَخَوَّفُ عَلَيَّ
النَّسْيَانُ فِيمَا بَعْدُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَسْتُ أَتَخَوَّفُ عَلَيْكَ نِسْيَانًا وَ لَا جَهْلًا وَ قَدْ
أَخْبَرَنِي رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّهُ قَدْ اسْتَجَابَ لِي فِيكَ وَ فِي شُرَكَائِكَ
الَّذِينَ يَكُونُونَ مِنْ بَعْدِكَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ شُرَكَائِي مِنْ بَعْدِي
قَالَ الَّذِينَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِنَفْسِهِ وَ بِي فَقَالَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا
الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ الْآيَةُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ هُمْ فَقَالَ
الْأَوْصِيَاءُ مِنِّي إِلَى أَنْ يَرُدُّوا عَلَيَّ الْحَوْضَ كُلُّهُمْ هَادٍ مُهْتَدٍ لَا يَضُرُّهُمْ
مَنْ خَذَلَهُمْ هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَهُمْ لَا يُفَارِقُهُمْ وَ لَا يُفَارِقُونَهُ



فَبِهِمْ تَنْصُرُ امَّتِي وَبِهِمْ يُمْطَرُونَ وَبِهِمْ يُدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءُ وَبِهِمْ يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُمْ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمِّهِمْ لِي فَقَالَ ابْنِي هَذَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ الْحَسَنِ ثُمَّ ابْنِي هَذَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ الْحُسَيْنِ ثُمَّ ابْنُ لَهُ يُقَالُ لَهُ عَلِيُّ سَيُولَدُ فِي حَيَاتِكَ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ تَكْمِلُهُ اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا فَقُلْتُ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي فَسَمِّهِمْ لِي فَسَمَّاهُمْ رَجُلًا رَجُلًا فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهِمْ وَاللَّهِ يَا أَخَا بَنِي هِلَالٍ مَهْدِيٌّ أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْرِفُ مَنْ يُبَايِعُهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ وَقَبَائِلِهِمْ ^(۱)

سليم بن قيس هلالی می گوید شنیدم حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می فرماید: آیه ای به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل نشد مگر این که آن را برای من می خواند و آن را بر من املاء کرد و من همه را با خط خویش نوشتم، و به من تأویل و تفسیر آیات و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آن را آموخت و از خدا خواست که آن را به من بفهماند و در حفظ من قرار دهد. آیه ای از کتاب خدا را از روزی که حفظ کرده ام و پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تأویل آن را به من آموخت و من آن را حفظ کردم،

۱ - بحار الانوار جلد ۸۹ صفحه ۹۹ باب ۸ حدیث ۶۹ و کمال الدین جلد ۱ صفحه ۲۸۴
باب ۲۴ حدیث ۳۷ و کافی جلد ۱ صفحه ۶۴ حدیث ۱ و تفسیر عیاشی جلد ۱
صفحه ۱۴ و خصال جلد ۱ صفحه ۴۷.

حتی یک حرف از آن را فراموش نکردم.

آن حضرت هر چه از حلال و حرام یا امر و نهی یا اطاعت و معصیت که بود یا تا روز قیامت خواهد شد را ترک نکرد و همه را به من یاد داد و آن را حفظ کردم و یک حرف از آن را هم فراموش نکردم.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست بر سینه‌ام گذاشت و به درگاه خداوند دعا کرد که قلبم را از علم و فقه و فهم و حکمت و نور سرشار نماید. و مرا طوری علم بیاموزد که جهل به من راه نیابد و طوری مطالب را حفظ کنم که هیچ گاه فراموش نکنم.

روزی به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از روزی که برایم دعا کردی هیچ چیز از آن چه به من آموخته‌ای فراموش نکرده‌ام. پس چرا می‌خوانی و به من می‌گوئی آن را بنویسم؟ آیا بیم از آن داری که آن را فراموش کنم؟ حضرت فرمود: نه برادرم، چگونه درباره تو از فراموشی و نادانی ترس داشته باشم. در حالی که خداوند به من خبر داده که دعای مرا درباره تو و شریک‌های تو که بعداً می‌آیند اجابت کرده است.

پرسیدم ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شریک‌های من کیانند؟ فرمود: همان کسانی که خداوند ایشان را با خود و من، قرین نموده و در حق ایشان



پیشگفتار

فرموده است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^(۱) ای کسانی که ایمان آوردید از خدا و از پیامبر و از اولی الامر خود اطاعت کنید، و اگر در موردی اختلافی رخ داد آن را به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و اولی الامر از خود ارجاع دهید.

پرسیدم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله اینان کیستند؟ فرمود: ایشان جانشینان من هستند، تا آن که بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند. همه آن‌ها هدایت کننده و هدایت شده‌اند. حیلۀ کسانی که درباره آنان مکاری می‌کنند و کسانی که قصد خار کردن آنان را دارند، زبانی به آنان نمی‌رسانند. آنان با قرآن و قرآن با آنها است. نه اینها از قرآن جدا می‌شوند و نه قرآن از آنان جدا می‌شود. خداوند به وسیلۀ اینها امتّ را یاری می‌کند و به برکت اینان باران نازل می‌شود، به دعا‌های مستجاب اینان بلا از این امت رفع می‌شود. عرض کردم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله نامشان را برایم بگو؟ فرمود: این فرزندانم و دست بر سر امام حسن علیه السلام گذاشت سپس این فرزندانم و دست بر سر امام حسین علیه السلام نهاد. بعد فرزند این پسر و دوباره دستش را بر سر امام حسین علیه السلام نهاد. سپس فرزند او که هم نام من است، نام او محمد است، او شکافنده علم من و خزانه دار وحی خداوند است. برادر من، بزودی در

حیات تو این علی متولد می شود، سلام مرا به او برسان سپس رو به امام حسین علیه السلام کرد و فرمود: محمد بن علی در زمان حیات تو متولد می شود، سلام مرا به او برسان. برادرم، بعد از اینها بقیه دوازده امام از فرزندان تو خواهند بود.

عرض کردم یا رسول الله صلی الله علیه و آله نام آنها را برایم بگو. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نام یک یک آنان را فرمود.

ای برادر بنی هلال به خدا قسم، از ایشان است مهدی این امت، کسی که زمین را پر از عدل و داد می کند، همان طور که از ظلم و جور پر شده باشد. به خدا قسم من همه آنان که میان رکن و مقام با وی بیعت می کنند، می شناسم. و نام همه آنها و قبائلشان را می دانم.^(۱)

۲ - فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ عليه السلام يَا طَلْحَةُ إِنَّ كُلَّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ جَلَّ وَ عَلَا عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عِنْدِي بِإِمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ خَطُّ يَدِي وَ تَأْوِيلَ كُلِّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ كُلِّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ أَوْ حَدٍّ أَوْ حُكْمٍ أَوْ شَيْءٍ تَخْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بِإِمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ خَطُّ يَدِي حَتَّى أُرْسِيَ الْخَدَشَ فَقَالَ طَلْحَةُ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ أَوْ خَاصٍّ أَوْ عَامٍّ كَانَ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَهُوَ عِنْدَكَ مَكْتُوبٌ قَالَ نَعَمْ وَ سِوَى ذَلِكَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَسَرَّ إِلَيَّ



فِي مَرَضِهِ مِفْتَاحَ أَلْفِ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ وَ لَوْ أَنَّ
 الْأُمَّةَ مُنْذُ قُبُضِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ اتَّبَعُونِي وَ أَطَاعُونِي لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ
 مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ. (۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای طلحه، هر آیه‌ای که خداوند در
 کتابش بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرده، به املای آن حضرت و خط خودم در
 نزد من موجود است و نیز تأویل هر آیه‌ای که بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده
 و هر حلال و حرام و حدود و احکام و هر چیزی که امت تا روز
 قیامت بدان احتیاج دارند حتی دیه خراشی که بر بدن وارد آید نزد
 من است که با املای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و با دست خط من نوشته شده
 است.

طلحه پرسید: آیا هر چیزی از کوچک و بزرگ، خاص و عام،
 آنچه بوده یا تا روز قیامت خواهد شد نوشته شده و نزد تو است؟
 حضرت فرمود: آری، و غیر از آن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیماریش
 کلید هزار باب از علم که از هر بابی هزار باب باز می شود پنهانی به
 من آموخت. اگر این امت از زمان وفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تابع من
 می شدند و از من اطاعت می کردند از بالای سرشان و از زیر پایشان

۱ - بحار الانوار جلد ۸۹ صفحه ۴۱ باب ۷ حدیث ۱ و احتجاج جلد ۱ صفحه ۱۵۳ و
 کتاب سلیم صفحه ۶۵۷ حدیث ۱۱.

بر آنان نعمت می‌بارید و تا روز قیامت با خوشی و وسعت نعمت‌های الهی را می‌خوردند.

در احادیث آمده که آن کتاب، بسیار بزرگ و متجاوز از ران شتر، قطر دارد و همه‌اش به املاء رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خط علی بن ابیطالب علیه السلام است و روایات و سخنان ائمه اطهار علیهم السلام و یا حتی مقداری از کلمات رسول اکرم صلی الله علیه و آله مقتبس از این کتاب شریف است. ضمناً علی بن ابیطالب علیه السلام دوست داشت که قرآن و تفسیر آن را به عنوان این کتاب در اختیار سایر مردم بگذارد ولی همانطوری که همه مردم لیاقت پذیرش خلافت بلافصل علی بن ابیطالب علیه السلام را نداشتند و فرق بین ابابکر و علی بن ابیطالب علیه السلام را نمی‌گذاشتند، آن کتاب را که حقایق قرآن را بیان می‌کند، نپذیرفتند و علی بن ابیطالب علیه السلام آن کتاب را به امانت نزد حضرت مجتبی علیه السلام و بعد از آن به ائمه اطهار علیهم السلام و در آخر در اختیار حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) قرار دادند.



«فهرست خصوصیات کتاب علی علیه السلام»

که از احادیث و روایات استفاده می‌شود»

- ۱ - کتاب علی علیه السلام به املاي پیغمبر اکرم ﷺ و خط امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشد.
- ۲ - در کتاب علی علیه السلام تمام علومي که فرزندان آدم علیه السلام تا روز قیامت به آن محتاجند و تمام فرائض و حلال و حرام الهی، حتی ارش خدش، آمده است.
- ۳ - کتاب علی علیه السلام بسیار بزرگ است و با تعبیری چون هفتاد ذراع یا به اندازه ران شتر درباره وزن یا قد آن توضیح داده شده است.
- ۴ - کتاب علی علیه السلام مأخذ احکام صادره از سوی حضرات معصومین علیهم السلام بوده است.
- ۵ - در کتاب علی علیه السلام خصوصیات انبیاء علیهم السلام و داستان‌های آنها کاملاً ذکر شده است.
- ۶ - در کتاب علی علیه السلام قضایای اقوام گذشته آمده است.

- ۷- در کتاب علی علیه السلام نام خلفا و ملوک یاد شده است.
- ۸- در کتاب علی علیه السلام خصوصیات شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام بطور کلی بیان شده است.
- ۹- در کتاب علی علیه السلام توضیح و تأویل و شرح آیات قرآن آمده است.
- ۱۰- ائمه اطهار علیهم السلام تابع کتاب علی علیه السلام و قرآن هستند و از آنها تخطی نمی کنند.
- ۱۱- کتاب علی علیه السلام نزد امام هر زمانی موجود است.
- ۱۲- کتاب علی علیه السلام را بعضی از اصحاب دیده اند و به مطالب آن توجه پیدا کرده اند.
- ۱۳- قرآن با کلمه «ذلک الکتاب» به کتاب علی علیه السلام اشاره نموده است.
- ۱۴- ممکن است منظور قرآن از «لا یمسه الا المطهرون» کتاب علی علیه السلام هم بوده باشد.



«نام‌های کتاب علی علیه السلام در روایات»

در روایات با سه نام از کتاب علی علیه السلام یاد شده که معروفترین آن «کتاب علی علیه السلام» می‌باشد و دو نام دیگر عبارتند از: «الجامعه» و «صحیفه یا مصحف علی» و اما روایات عبارتند از:

۱ - (بصائر الدرجات) مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ قَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ عِنْدَنَا صَحِيفَةً مِنْ كِتَابِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْ مُصْحَفِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً فَنَحْنُ نَتَّبِعُ مَا فِيهَا فَلَا نَعْدُوها. (۱)

از برید از محمد از یکی از دو امامان علی علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: تحقیقا نزد ما صحیفه‌ای از کتاب علی علیه السلام یا مصحف علی علیه السلام است که طول آن هفتاد ذراع است پس ما از آن چه در آن هست تبعیت می‌کنیم و از آن تجاوز نمی‌کنیم.

۱ - بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۳ حدیث ۵۰ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۶

۲ - (بصائر الدرجات) عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مَرْوَانَ عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام يَا فَضِيلُ عِنْدَنَا كِتَابٌ عَلِيِّ سَبْعُونَ ذِرَاعاً [مَا] عَلَى الْأَرْضِ شَيْءٌ يُحْتَاجُ إِلَيْهِ إِلَّا وَهُوَ فِيهِ حَتَّى أَرُشَ الْخَدَشِ ثُمَّ خَطَّهُ بِيَدِهِ عَلَى إِبْهَامِهِ. (۱)

فضیل می گوید که حضرت اباجعفر امام باقر علیه السلام به من فرمود: ای فضیل نزد ما کتاب علی علیه السلام است که هفتاد ذراع است در زمین به چیزی احتیاج پیدا نمی کنید مگر این که در آن هست، حتی دیه خراش، پس با دستش خطی بر انگشت ابهامش کشید (که منظور از دیه خراش این است).

۳ - (بصائر الدرجات) بِإِسْنَادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ عِنْدَنَا كِتَابٌ عَلِيِّ علیه السلام سَبْعُونَ ذِرَاعاً. (۲)

مروان می گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: در نزد ما کتاب علی علیه السلام که هفتاد ذراع است، می باشد.

۴ - (بصائر الدرجات) أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ

۱ - مستدرک الوسائل جلد ۱۸ صفحه ۳۸۶ حدیث ۸ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۴

حدیث ۵۴ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۷ حدیث ۱.

۲ - بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۴ باب ۱ حدیث ۵۰ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۸

حدیث ۶.

ابن بُکَیْرٍ وَ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَنْ قَالَ: وَ عِنْدَنَا وَ اللَّهُ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ إِلَّا وَ هُوَ فِيهَا حَتَّى إِنَّ فِيهَا أَرْضَ الْخَدَشِ... (۱)

محمد بن عبدالمک گفت: در نزد امام صادق علیه السلام بودیم تا این که حضرت فرمود: و نزد ما بخدا قسم صحیفه‌ای هست که طول آن هفتاد ذراع است آنچه حلال و حرام است که خدا خلق کرده در آن هست و در آن دیه خراشیدگی دست هم هست.

۵ - [الإرشاد]، [الإحتجاج] كَانَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ... وَ عِنْدَنَا الْجَامِعَةُ فِيهَا جَمِيعُ مَا تَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ... أَمَّا الْجَامِعَةُ فَهُوَ كِتَابٌ طُولُهُ سَبْعُونَ ذِرَاعاً إِمْلَاءَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مِنْ فُلْقٍ فِيهِ وَ خَطُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ فِيهِ وَ اللَّهُ جَمِيعُ مَا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى إِنَّ فِيهِ أَرْضَ الْخَدَشِ وَ الْجِلْدَةَ وَ نِصْفَ الْجِلْدَةِ. (۲)

در احتجاج نقل شده که امام صادق علیه السلام می فرماید: در نزد ما جامعه است در آن هر چه مردم احتیاج دارند هست تا این که

۱ - بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۸ حدیث ۶۹ و بصائر الدرجات صفحه ۱۵۱ حدیث ۲.

۲ - بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۱۸ حدیث ۱ و احتجاج جلد ۱ صفحه ۳۷۲ و الارشاد جلد ۲ صفحه ۱۸۶.

می فرماید: اما جامعه، پس آن کتابی به طول هفتاد ذراع به املائی رسول خدا صلی الله علیه و آله و به زبان آن حضرت و به خط و دست حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام است به خدا سوگند هر چه مردم تا روز قیامت نیاز دارند در آن هست حتی دیه خراش دست و تازیانه و نصف تازیانه.

۶- و فيه أيضا بإسناده عن جميل قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول الى ان قال: و إن عندنا الجامعة فيها جميع ما يحتاجون إليه... و أما الجامعة فكتاب طوله سبعون ذراعا إملاء رسول الله صلی الله علیه و آله و خط علي بن أبي طالب عليه السلام بيده فيه أرش الخدش و الجلدة و نصف الجلدة. (۱)

جميل روایت می کند که گفت شنیدم حضرت صادق علیه السلام می فرماید: تا این که فرمود: در نزد ما جامعه است که در آن هر چه مردم نیازمند هستند وجود دارد.... اما جامعه کتابی است به طول هفتاد ذراع به املاء رسول خدا صلی الله علیه و آله و خط علی بن ابیطالب علیه السلام که در آن دیه خراش دست و تازیانه و نصف آن وجود دارد.

« کتاب علی علیه السلام در کتب اهل سنت »

۱ - محمد بن ادريس بخارى در صحيح خود به سند متصل از ابوحنيفه روايت مى کند که مى گويد: به علی علیه السلام گفتم: آیا نزد شما کتابی است؟ فرمود: نه مگر کتاب خدا، یا فهمی که به مرد مسلمانی عطا شده باشد، یا آنچه در این صحیفه است. گفتم: در صحیفه چیست؟ فرمود: دیه آزادی اسیر، و این که مسلمان به کافر کشته نمی شود.^(۱)

۲ - شهرستانی در مقدمه تفسیر خود به این مصحف اشاره می کند و می گوید: برخی گفته اند مصحف امام علی علیه السلام، متن و حواشی داشته، قرآن در متن قرار گرفته و توضیحات حضرت علی علیه السلام در عرض و حواشی آمده است.^(۲)

۳ - یعقوبی یکی از کسانی است که در کتاب تاریخ خود به

۱ - صحيح بخارى جلد ۱ صفحه ۳۸ و جلد ۹ صفحه ۱۳ و جلد ۴ صفحه ۱۲۲.

۲ - مفاتيح الاسرار و مصابيح الابرار جلد ۱ صفحه ۱۲۰.

تفصیل درباره مصحف امام علی علیه السلام اظهار نظر کرده و با توصیفات مخصوص و انحصاری درباره چگونگی این مصحف می پردازد. ^(۱)

۴- ابن جری کلبی در مقدمه تفسیر خود می گوید: اگر مصحف امام علی علیه السلام یافت شود در آن دانستنی های بسیاری می باشد اما افسوس که یافت نشد. ^(۲)

و اما کتبی که از مصحف امام علی علیه السلام یاد نموده اند عبارتند از:

۵- ابن سعد در طبقات جلد ۲ صفحه ۲۳۸.

۶- حاکم حسکانی در شواهد التنزیل جلد ۱ صفحه ۳۶.

۷- جلال الدین سیوطی در اتقان جلد ۱ صفحات ۵۹ و ۷۴.

۸- ابن ندیم در فهرست صفحه ۳۰.

۱- تاریخ یعقوبی جلد ۲ صفحه ۱۵.

۲- التسهیل لعلوم التنزیل جلد ۱ صفحه ۷.



« کتاب علی علیه السلام به املاي

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد»

۱ - [بصائر الدرجات] مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ عُنْبَسَةَ الْعَابِدِ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیه السلام وَ ذَكَرَ عِنْدَهُ الصَّلَاةُ فَقَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام الَّذِي أَمَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُعَذِّبُ عَلَى كَثْرَةِ الصَّلَاةِ وَ الصَّيَامِ وَ لَكِنْ يَزِيدُهُ جَزَاءً. (۱)

عنبدسه عابد گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم موقعی که صحبت از نماز شد فرمود: در کتاب علی علیه السلام که باملاء پیامبر

۱ - بصائر الدرجات صفحه ۱۶۵ باب ۱ حدیث ۱۱ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۵۱
باب ۱ حدیث ۹۹ و بحار الانوار جلد ۷۹ صفحه ۳۰۸ باب ۴ حدیث ۸ و وسائل
الشیعه جلد ۴ صفحه ۱۰۳ باب ۳۲ حدیث ۴۶۳۰ و وسائل الشیعه جلد ۱۰ صفحه
۴۰۷ باب ۱ حدیث ۱۳۷۱۴.

اکرم صلی الله علیه و آله است نوشته است خداوند بر نماز و روزه زیاد عذاب نمی کند ولی پاداش آن را اضافه خواهد کرد.^(۱)

۲- [بصائر الدرجات] مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ عَنْ عَنبَسَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام الَّذِي أَمَلَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنْ كَانَ الشُّؤْمُ فِي شَيْءٍ فَفِي النِّسَاءِ.^(۲)

عنبدسه عابد گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: در کتابی که باملاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام است نوشته شده اگر شومی وجود داشته باشد در چیزی، این شومی در زنان است.^(۳)

۳- أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عِبَادِ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَبْدِ الْغَفَارِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عِزَّافِ بْنِ الصِّرْفِيِّ قَالَ كُنْتُ مَعَ الْحَكَمِ بْنِ عَتِيبَةَ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلَ يَسْأَلُهُ وَكَانَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام لَهُ مَكْرَمًا فَاخْتَلَفَا فِي شَيْءٍ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام يَا بَنِي قَمْ فَأَخْرَجَ كِتَابَ عَلِيٍّ فَأَخْرَجَ كِتَابًا مَدْرُوجًا عَظِيمًا وَفَتْحَهُ (فَفَتْحَهُ) وَجَعَلَ يَنْظُرُ حَتَّى أَخْرَجَ الْمَسْأَلَةَ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام هَذَا خَطُّ عَلِيٍّ علیه السلام وَإِمْلَأْ رَسُولُ

۱- ترجمه از کتاب ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۴۲.

۲- بحار الانوار جلد ۱۰۰ صفحه ۲۲۷ باب ۲ حدیث ۱۵ و بصائر الدرجات صفحه ۱۶۵ باب ۱ حدیث ۱۹.

۳- ترجمه از ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۳۱.

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (۱)

عذافر صیرفی می گوید با حکم بن عنبسه نزد امام صادق علیه السلام بودیم پس او سؤال می کرد و امام صادق علیه السلام او را گرامی می داشت در خصوص مسئله ای با هم اختلاف پیدا کردند آن گاه امام صادق علیه السلام به فرزندش فرمود: ای پسر بلند شو و کتاب علی علیه السلام را بیاور. وقتی آن را آورد کتاب بزرگی بود که در آن مطالبی درج شده بود و آن را گشود و در آن نگاه کرد تا مسئله را در آن یافت آن گاه امام صادق علیه السلام فرمود این خط علی علیه السلام و املاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ جَمِيعاً عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْجَدِّ فَقَالَ مَا أَحَدٌ قَالَ فِيهِ إِلَّا بِرَأْيِهِ إِلَّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ فَمَا قَالَ فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَقَالَ إِذَا كَانَ غَدًا فَالْتَفَنِي حَتَّى أَقْرِئَكَهُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ علیه السلام إِلَى أَنْ قَالَ، قَالَ علیه السلام فَإِنَّ الَّذِي رَأَيْتَ وَاللَّهِ يَا زُرَّارَةُ الْحَقُّ الَّذِي رَأَيْتَ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ خَطُّ عَلِيِّ علیه السلام بِيَدِهِ. (۲)

زراره می گوید: به ابوجعفر امام باقر علیه السلام گفتم سهم جد از

۱ - رجال نجاشی صفحه ۳۶۰ باب ۹۶۶.

۲ - تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۲۷۱ باب ۲۳ حدیث ۹.

میراث نبیره‌اش چیست؟ فرمود: هر کسی که درباره جد فتوا داده به رأی شخصی خود فتوا داده است، جز امیرالمومنین علیه السلام که بر اساس قرآن فتوا داده است. من گفتم: خداوند شما را سلامت بدارد، مگر امیرالمومنین علیه السلام چه فتوائی داده است؟ ابو جعفر علیه السلام فرمود: فردایا تا فتوای امیرالمومنین علیه السلام را از روی کتاب و نوشته ارائه دهم. تا آن که ابو جعفر علیه السلام فرمود: ولی به خدا سوگند که آنچه را خواندی همه آن برحق است، طوماری که خوانده‌ای با املائی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام تهیه شده است.^(۱)

۵- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ ضَلَّ عِلْمُ ابْنِ شُبْرُمَةَ عِنْدَ الْجَامِعَةِ إِمْلَاءَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ خَطَّ عَلِيٌّ علیه السلام بِيَدِهِ إِنَّ الْجَامِعَةَ لَمْ تَدْعَ لِأَحَدٍ كَلَامًا فِيهَا عِلْمُ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ إِنَّ أَصْحَابَ الْقِيَاسِ طَلَبُوا الْعِلْمَ بِالْقِيَاسِ فَلَمْ يَزِدَادُوا مِنَ الْحَقِّ إِلَّا بُعْدًا إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُصَابُ بِالْقِيَاسِ.^(۲)

ابی شبیه گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می‌فرمود: اطلاعات ابن شبرمه در مقابل جامعه هیچ است جامعه دیگر جای

۱- ترجمه از گزیده کافی جلد ۶ صفحه ۱۲۷.

۲- کافی جلد ۱ صفحه ۵۷ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۳ باب ۱ حدیث ۵۲ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۶ باب ۱۲ حدیث ۲۳ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۹ باب ۱۳ حدیث ۱۶.

سخن برای احدی در مورد حلال و حرام نگذاشته اصحاب قیاس در جستجوی علم با قیاس پیش می‌روند که پیوسته این کار موجب فاصله بیشتر آنها از واقعیت می‌شود هرگز دین خدا با قیاس سازگار نیست.^(۱)

۶- [الإرشاد]، [الإحتجاج] كَانَ الصَّادِقُ عليه السلام يَقُولُ عَلِمْنَا غَابِرٌ وَ مَزْبُورٌ وَ نَكْتُ فِي الْقُلُوبِ وَ نَقْرُ فِي الْأَسْمَاعِ وَ إِنَّ عِنْدَنَا الْجَفْرَ الْأَحْمَرَ وَ الْجَفْرَ الْأَبْيَضَ وَ مُصْحَفَ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ عِنْدَنَا الْجَامِعَةَ فِيهَا جَمِيعُ مَا تَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ... وَأَمَّا الْجَامِعَةُ فَهُوَ كِتَابُ طَوْلُهُ سَبْعُونَ ذِرَاعاً إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ فُلْقٍ فِيهِ وَ خَطُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام بِيَدِهِ فِيهِ وَ اللَّهُ جَمِيعُ مَا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى إِنَّ فِيهِ أَرْشَ الْخَدَشِ وَ الْجُلْدَةَ وَ نِصْفَ الْجُلْدَةِ.^(۲)

امام صادق عليه السلام می‌فرمود: علم ما غابر و مزبور و خطوط قلب و خوردن به گوش است در نزد ما جفر قرمز و سفید و مصحف فاطمه علیها السلام و در نزد ما جامعه که در آن هر چه مردم نیازمندند

۱- ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۳۰.

۲- احتجاج جلد ۲ صفحه ۳۷۲ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۱۸ باب ۱ حدیث ۱ و ارشاد جلد ۲ صفحه ۱۸۶ و الخرائج و الجرائح جلد ۲ صفحه ۸۹۴ و روضه الواعظین جلد ۱ صفحه ۲۱۰ و كشف الغمه جلد ۲ صفحه ۱۶۹ و جامع الاحادیث شیعیه جلد ۳۰ صفحه ۵۱۲ حدیث شماره ۷۰۱-۴۵۹۴۷.

هست... و اما جامعه کتابی است بطول هفتاد ذراع (هر ذراع فاصله بین انگشتان دست تا آرنج است) که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با زبان خود املاء نموده و فرموده و علی بن ابیطالب علیه السلام بدست خود نوشته. در آن جامعه تمام نیازمندیهای مردم تا روز قیامت هست حتی جریمه خدشه وارد کردن بر کسی و یک تازیانه و نصف تازیانه.^(۱)

۷ - [بصائر الدرجات] أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ أَخْرَجَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام صَحِيفَةً فِيهَا الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ وَ الْفَرَائِضُ قُلْتُ مَا هَذِهِ قَالَ هَذِهِ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ خَطُّهُ عَلِيٌّ علیه السلام بِيَدِهِ قَالَ قُلْتُ فَمَا تُبْلَى قَالَ فَمَا يُبْلِيهَا قُلْتُ وَ مَا تُدْرَسُ قَالَ وَ مَا يَدْرُسُهَا قَالَ هِيَ الْجَامِعَةُ أَوْ مِنَ الْجَامِعَةِ.^(۲)

ابی بصیر گفت: حضرت باقر علیه السلام صحیفه‌ای به من نشان داد که در آن حلال و حرام و فرائض بود گفتم این چیست؟ فرمود: نوشته‌ای است باملاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط حضرت علی علیه السلام گفتم از بین نمی‌رود؟ فرمود: چه چیز می‌تواند آن را از بین ببرد گفتم: کهنه و مندرس نمی‌شود؟ فرمود: چه چیز می‌تواند آن را کهنه کند فرمود:

۱ - ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۳۰.

۲ - بصائر الدرجات صفحه ۱۴۴ باب ۱۲ حدیث ۹ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۲۳ باب ۱ حدیث ۱۲.

این جامعه یا از جامعه است. (۱)

۸- [بصائر الدرجات] إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَذَكَرَ ابْنُ شُبْرُمَةَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْنَ هُوَ مِنَ الْجَامِعَةِ إِمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَخَطَّ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيهَا الْحَلَالَ وَالْحَرَامُ حَتَّى أَرُشُ الْخَدَشَ. (۲)

ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که صحبت از ابن شبرمه و فتوائی که داده بود شد، فرمود: ابن شبرمه کجا اطلاع از جامعه داد که باملاء پیامبر اکرم ﷺ و خط علی بن ابیطالب علیه السلام است تمام مسائل حلال و حرام در آن هست حتی جریمه یک خدشه. (۳)

۹- و فيه أيضا بإسناده عن جميل قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول في حديث: و أما الجامعة فكتاب طوله سبعون ذراعا إملاء رسول الله ﷺ و خط علي بن أبي طالب عليه السلام بيده فيه أرش الخدش و الجلدة و نصف الجلدة. (۴)

۱- ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۲۴.

۲- بصائر الدرجات صفحه ۱۴۵ باب ۱۲ حدیث ۱۵ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۲۵ باب ۱ حدیث ۲۲.

۳- ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۲۹.

۴- اعلام الوری صفحه ۲۸۴ فصل ۴.

جمیل گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم در حدیثی می فرمود: و «جامعه» کتابی است که طولش هفتاد ذراع است و این کتاب به املاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد، در آن کتاب کلیه احکام حتی دیه خدشه و تازیانه و نصف تازیانه هم وارد شده است. (۱)

۱۰ - حدثنا علي بن الحسن بن الحسين السحائي عن محول بن إبراهيم عن أبي مریم قال قال لي أبو جعفر علیه السلام عندنا الجامعة و هي سبعون ذراعاً فيها كل شيء حتى أرش الخدش إملاء رسول الله صلی الله علیه و آله و خط علي علیه السلام (۲)

ابن مریم می گوید که برایم امام صادق علیه السلام فرمود: در نزد ما جامعه است که آن هفتاد ذراع است و در آن همه چیز هست حتی دیه خراش دست به املاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط حضرت علی علیه السلام.

۱۱ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَجَّالِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا الْجَامِعَةُ قَالَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً بِذِرَاعِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ إِمْلَائِهِ مِنْ فُلْقٍ فِيهِ وَ خَطُّ عَلِيٍّ

۱ - ترجمه اعلام الوری، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام صفحه ۳۹۰.

۲ - بصائر الدرجات صفحه ۱۶۰ باب ۱۴ حدیث ۳۱.



بِیَمِینِهِ فِیْهَا کُلُّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ وَ کُلُّ شَیْءٍ یَحْتَاجُ النَّاسُ اِلَیْهِ حَتّٰی الْاَرْضُ
فِی الْخَدَشِ. (۱)

ابوبصیر می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و عرض
کردم: قربانت گردم جامعه چیست؟ فرمود: طوماریست به طول
هفتاد ذراع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باملاء زبانی آن حضرت و دست خط
حضرت علی علیه السلام، تمام حلال و حرام و همه احتیاجات دینی مردم،
حتی جریمه خراش در آن موجود است. (۲)

۱- کافی جلد ۱ صفحه ۲۳۸ حدیث ۱ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۸ باب ۱ حدیث
۷۰ و بصائر الدرجات صفحه ۱۵۱ باب ۱۴ حدیث ۳ و تأویل الایات الظاهرة
صفحه ۱۰۸ و وسائل الشیعه جلد ۲۹ صفحه ۳۵۶ باب ۴۸ حدیث ۳۵۷۷۱ و
مستدرک الوسائل جلد ۱۸ صفحه ۳۸۵ باب ۴۴ حدیث ۳ جامع الاحادیث شیعه
جلد ۳۱ صفحه ۶۹۴ حدیث ۹۷۶-۴۸۲۱۶.

۲- ترجمه اصول کافی جلد ۱ صفحه ۳۴۵.

«در کتاب علی علیه السلام تمام علومی که فرزندان

آدم علیه السلام تا روز قیامت به آن محتاجند و تمام فرائض

و حلال و حرام الهی، حتی ارش خدش آمده است»

۱- و عن عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ
الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مَرْوَانَ عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام يَا فَضِيلُ
عِنْدَنَا كِتَابٌ عَلِيٍّ سَبْعُونَ ذِرَاعاً [مَا] عَلَى الْأَرْضِ شَيْءٌ يُحْتَاجُ إِلَيْهِ إِلَّا وَ
هُوَ فِيهِ حَتَّى أُرْشَ الْخَدَشُ ثُمَّ خَطَّهُ بِيَدِهِ عَلَى إِبْهَامِهِ. (۱)

مروان از فضیل نقل کرد که حضرت باقر علیه السلام فرمود: یا فضیل
در نزد ما کتاب علی علیه السلام است بطول هفتاد ذراع که روی زمین هر چه
مورد احتیاج باشد در آن هست حتی جریمه یک خدشه؛ سپس با

۱- مستدرک الوسائل جلد ۱۸ صفحه ۳۸۶ باب ۴۴ حدیث ۸ و بحار الانوار جلد ۲۶
صفحه ۳۴ باب ۱ حدیث ۵۴ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۷ باب ۱۳ حدیث ۱ و
جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۰ صفحه ۵۱۲ باب ۱ حدیث ۷۰۱-۴۵۹۴۸.

دست خود خطی کشید بر روی انگشت ابهام خویش.^(۱)

۲- [بصائر الدرجات] إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام كُلُّ شَيْءٍ يُحْتَاجُ إِلَيْهِ حَتَّى أَرْضُ الْخَدَشِ وَالْأَرْضُ.^(۲)

میمون قداح از امام صادق عليه السلام که ایشان از پدرشان عليه السلام نقل کردند که فرمود: در کتاب علی عليه السلام هر چیزی که به آن مردم نیاز دارند هست حتی دیه خراش دست و دیه جراحت.

۳- [بصائر الدرجات] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام نَحْوًا مِنْ سِتِّينَ رَجُلًا قَالَ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ عِنْدَنَا وَاللَّهِ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ حَلَالٍ أَوْ حَرَامٍ إِلَّا وَهُوَ فِيهَا حَتَّى إِنَّ فِيهَا أَرْضَ الْخَدَشِ^(۳)

محمد بن عبدالملک گفت: در حدود شصت نفر در خدمت امام صادق عليه السلام بودیم تا این که فرمود بخدا قسم در نزد ما صحیفه‌ای

۱- ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۲۰.

۲- بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۵ باب ۱ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۸ باب ۱۳.

۳- بحار الانوار جلد ۴۷ صفحه ۲۷۰ باب ۹ حدیث ۲ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۸ باب ۱ حدیث ۶۹ و بصائر الدرجات صفحه ۱۵۱ باب ۱۴ حدیث ۲ و جامع الاحادیث جلد ۳۱ صفحه ۶۹۴ حدیث ۹۷۳-۴۸۲۱۳.

است بطول هفتاد ذراع. هیچ حلال و حرامی را خدا نیافریده مگر این که در آن هست حتی جریمه خدشه (با ناخن روی دست خود کشیدند).^(۱)

۴ - حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام كُلُّ شَيْءٍ يُحْتَاجُ إِلَيْهِ حَتَّى خَدَشُ وَ الْأَرَشُ وَ الْهَرَشُ.^(۲)

میمون قداح از امام صادق علیه السلام که ایشان از پدرشان علیه السلام نقل کردند که فرمود: در کتاب علی علیه السلام هر چیزی که به آن مردم نیاز دارند هست حتی دیه خراش دست و دیه جراحت.

۵ - مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنْ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ ضَلَّ عِلْمُ ابْنِ شُبْرُمَةَ عِنْدَ الْجَامِعَةِ إِنَّ الْجَامِعَةَ لَمْ تَدْعُ لِأَحَدٍ كَلَاماً فِيهَا عِلْمُ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ إِنَّ أَصْحَابَ الْقِيَاسِ طَلَبُوا الْعِلْمَ بِالْقِيَاسِ فَلَمْ يَزِدْهُمْ مِنَ الْحَقِّ إِلَّا بُعْداً وَ إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُصَابُ بِالْقِيَاسِ.^(۳)

۱ - ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۳۳.

۲ - بصائر الدرجات صفحه ۱۶۴ باب ۱ حدیث ۵ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۵۰ باب ۱ حدیث ۹۵.

۳ - کافی جلد ۱ صفحه ۵۷ حدیث ۱۴ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۳ باب ۱ حدیث

ابی شبیه گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: اطلاعات ابن شبرمه در مقابل جامعه هیچ است. جامعه دیگر جای سخن برای احدی در مورد حلال و حرام نگذاشته اصحاب قیاس در جستجوی علم با قیاس پیش می روند که پیوسته این کار موجب فاصله بیشتر آنها از واقعیت می شود هرگز دین خدا با قیاس سازگار نیست. (۱)

۶- كَانَ الصَّادِقُ علیه السلام يَقُولُ عَلِمْنَا غَايِرٌ وَ مَزْبُورٌ وَ نَكْتُ فِي الْقُلُوبِ وَ نَقْرُ فِي الْأَسْمَاعِ وَ إِنَّ عِنْدَنَا الْجَفْرَ الْأَحْمَرَ وَ الْجَفْرَ الْأَبْيَضَ وَ مُصْحَفَ فَاطِمَةَ علیها السلام وَ عِنْدَنَا الْجَامِعَةَ فِيهَا جَمِيعُ مَا تَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ... وَ أَمَّا الْجَامِعَةُ فَهُوَ كِتَابُ طَوْلُهُ سَبْعُونَ ذِرَاعاً إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ فُلُقٍ فِيهِ وَ خَطُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام بِيَدِهِ فِيهِ وَ اللَّهُ جَمِيعُ مَا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى إِنَّ فِيهِ أَرْضَ الْخَدَشِ وَ الْجِلْدَةَ وَ نِصْفَ الْجِلْدَةِ. (۲)

⇒ ۵۲ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۶ باب ۱۲ حدیث ۲۳ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۹ باب ۱۳ حدیث ۱۶.

۱- ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۳۰.

۲- احتیاج جلد ۲ صفحه ۳۷۲ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۱۸ باب ۱ حدیث ۱ و الارشاد جلد ۲ صفحه ۸۹۴ و روضه الواعظین جلد ۱ صفحه ۲۱۰ و كشف الغمه جلد ۲ صفحه ۱۶۹.

امام صادق علیه السلام می فرمود: علم ما غابرو و مزبور و خطور قلب و خوردن به گوش است در نزد ما جفر قرمز و سفید و مصحف فاطمه علیها السلام و در نزد ما جامعه که در آن هر چه مردم نیازمندند هست... و اما جامعه کتابی است بطول هفتاد ذراع (هر ذراع فاصله بین انگشتان دست تا آرنج است) که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با زبان خود املاء نموده و فرموده و علی بن ابیطالب علیه السلام بدست خود نوشته در آن جامعه تمام نیازمندی های مردم تا روز قیامت هست حتی جریمه خدشه وارد کردن بر کسی و یک تازیانه و نصف تازیانه.^(۱)

۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ أَخْرَجَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام صَحِيفَةً فِيهَا الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ وَالْفَرَائِضُ قُلْتُ مَا هَذِهِ قَالَ هَذِهِ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ خَطَّهُ عَلِيُّ علیه السلام بِيَدِهِ قَالَ قُلْتُ فَمَا تُبَلِّى قَالَ فَمَا يُبَلِّئُهَا قُلْتُ وَ مَا تُدْرِسُ قَالَ وَ مَا يَدْرُسُهَا قَالَ هِيَ الْجَامِعَةُ أَوْ مِنَ الْجَامِعَةِ.^(۲)

ابوجعفر احوال گفت: حضرت باقر علیه السلام صحیفه ای به من نشان داد که در آن حلال و حرام و فرائض بود گفتم این چیست؟ فرمود: نوشته ای است به املاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط حضرت علی علیه السلام گفتم

۱- ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۲۰.

۲- بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۲۲ باب ۱ حدیث ۱۱ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۴

باب ۱۲ حدیث ۹.

از بین نمی‌رود؟ فرمود: چه چیز می‌تواند آن را از بین ببرد؟ گفتم: مندرس نمی‌شود؟ گفت: چه چیز می‌تواند آن را کهنه کند فرمود: این جامعه یا از جامعه است. (۱)

۸- إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي عِمْرَانَ عَنْ يُونُسَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَذَكَرَ ابْنُ شُبْرُمَةَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْنَ هُوَ مِنَ الْجَامِعَةِ إِمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَخَطَّ عَلَيَّ فِيهَا الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ حَتَّى أَرَشُ الْخَدَشَ. (۲)

ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که صحبت از ابن شبرمه و فتوائی که داده بود شد، فرمود: ابن شبرمه کجا اطلاع از جامعه دارد که باملاء پیامبر اکرم ﷺ و خط علی بن ابی طالب علیه السلام است تمام مسائل حلال و حرام در آن هست حتی جریمه یک خدشه. (۳)

۹- [بصائر الدرجات] السَّنْدِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْحَسَنِ

۱- ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۲۴.

۲- بصائر الدرجات صفحه ۱۴۵ باب ۱۲ حدیث ۱۵ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۲۵ باب ۱ حدیث ۲۲.

۳- ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۲۹.

يَزْعُمُ أَنَّهُ لَيْسَ عِنْدَهُ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا مَا عِنْدَ النَّاسِ فَقَالَ صَدَقَ وَاللَّهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحُسَيْنِ مَا عِنْدَهُ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا مَا عِنْدَ النَّاسِ وَلَكِنَّ عِنْدَنَا وَاللَّهِ الْجَامِعَةَ فِيهَا الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ...^(۱)

علی بن الحسین از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که عبد الله بن حسن مدعی است که در نزد او علمی بیش از آن چه نزد مردم است نیست فرمود: بخدا قسم عبد الله بن حسن درست گفته نزد او نیست مگر آن چه در نزد مردم است ولی نزد ما بخدا قسم جامعه است که در آن حلال و حرام است.^(۲)

۱۰ - عن جميل قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول الناس ثلاثة عالم و متعلم و غثاء نحن العلماء و شيعتنا المتعلمون و سائر الناس غثاء... و إن عندنا الجامعة فيها جميع ما يحتاجون إليه الى ان قال: و أما الجامعة فكتاب طوله سبعون ذراعاً إملاء رسول الله صلى الله عليه وآله و خط علي بن أبي طالب عليه السلام بيده فيه أرش الخدش و الجلدة و نصف الجلدة.^(۳)

جميل گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: مردم سه

۱ - بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۴۶ باب ۱ حدیث ۸۴ و بصائر الدرجات صفحه ۱۶۰

باب ۱۴ حدیث ۳۱.

۲ - ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۳۹.

۳ - اعلام الوری صفحه ۲۸۴ فصل ۴.



دسته هستند: عالم، متعلم، غناء، علماء ما اهل بیت علیهم السلام هستیم، متعلم شیعیان ما می باشند، و سایر مردم هم غناء بشمار می روند... و جامعه کتابی است که طولش هفتاد ذراع است و این کتاب به املاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد، در آن کتاب کلیه احکام حتی دیه خدشه و تازیانه و نصف تازیانه هم وارد شده است.^(۱)

۱۱ - حدثنا علي بن الحسن بن الحسين السحائي عن محول بن إبراهيم عن أبي مریم قال قال لي أبو جعفر علیه السلام عندنا الجامعة و هي سبعون ذراعاً فيها كل شيء حتى أرش الخدش إملاء رسول الله صلی الله علیه و آله و خط علي اعمال^(۲)

ابی مریم می گوید برایم امام باقر علیه السلام فرمود: در نزد ما جامعه است آن هفتاد ذراع است در آن همه چیز هست حتی دیه خراش به املاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط علی بن ابی طالب علیه السلام.

۱۲ - عدة من اصحابنا أحمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ فَقُلْتُ لَهُ إِنِّي أَسْأَلُكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ لَيْسَ هَاهُنَا أَحَدٌ يَسْمَعُ

۱ - ترجمه اعلام الوری، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام صفحه ۳۹۰.

۲ - بصائر الدرجات صفحه ۱۶۰ باب ۱۴ حدیث ۳۱.

کَلَامِي قَالَ فَرَفَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام سِتْرًا بَيْنِي وَ بَيْنَ بَيْتٍ آخَرَ فَاطَّلَعَ فِيهِ ثُمَّ قَالَ يَا بَا مُحَمَّدٍ سَلْ عَمَّا بَدَا لَكَ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الشَّيْعَةَ يَتَحَدَّثُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم عَلَّمَ عَلِيًّا عليه السلام بَابًا يُفْتَحُ مِنْهُ أَلْفُ بَابٍ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا بَا مُحَمَّدٍ عَلَّمَ وَاللَّهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم عَلِيًّا أَلْفَ بَابٍ يُفْتَحُ لَهُ مِنْ كُلِّ بَابٍ أَلْفُ بَابٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ هَذَا وَاللَّهِ الْعِلْمُ فَنَكَتَ سَاعَةً فِي الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَمَا هُوَ بِذَاكَ قَالَ ثُمَّ قَالَ يَا بَا مُحَمَّدٍ وَإِنَّ عِنْدَنَا الْجَامِعَةَ وَمَا يُدْرِيهُمْ مَا الْجَامِعَةُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا الْجَامِعَةُ قَالَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا بِذِرَاعِ رَسُولِ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم وَإِمْلَاءٍ مِنْ فَلَقٍ فِيهِ وَ خَطٌّ عَلَيَّ عليه السلام بِيَمِينِهِ فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ حَتَّى الْأَرْضُ فِي الْخَدَشِ وَ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَيَّ فَقَالَ تَأْذُنُ لِي يَا بَا مُحَمَّدٍ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنَا لَكَ اصْنَعْ مَا شِئْتَ فَغَمَزَنِي بِيَدِهِ فَقَالَ حَتَّى أَرُشَ هَذَا كَأَنَّهُ مُغْضَبٌ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا وَاللَّهِ الْعِلْمُ قَالَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ لَيْسَ بِذَاكَ. (١)

ابوبصیر گفت: خدمت حضرت صادق عليه السلام رسیدم به ایشان عرض کردم من یک سؤال از شما دارم اینجا کسی نیست که گوش

۱- کافی جلد ۱ صفحه ۲۳۸ حدیث ۱ و تأویل الایات الظاهرة صفحه ۱۰۸ و بصائر الدرجات صفحه ۱۵۱ باب ۱۴ حدیث ۳ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۸ باب ۱ حدیث ۷۰ و وسائل الشیعه جلد ۲۹ صفحه ۳۵۶ باب ۴۸ حدیث ۳۵۷۷۱ و مستدرک الوسائل جلد ۱۸ صفحه ۳۸۵ باب ۴۴ حدیث ۳.

بدهد امام علیه السلام پرده‌ای بالا زد که فاصله بود بین ایشان و اطاق دیگری و بداخل آن تماشا نمود بعد فرمود: هر چه مایلی بپرس گفتم: فدایت شوم شیعیان نقل می‌کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام بابی از علم گشود که هزار باب از آن باز می‌شد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام هزار باب آموخت که از هر بابی هزار باب گشوده می‌شود گفتم به خدا قسم علم این است. امام علیه السلام ساعتی با چیزی که در دست داشت به زمین می‌زد بعد فرمود: این علمی است ولی این آن نیست.

سپس فرمود: یا ابامحمد در نزد ما جامعه است آنها چه می‌دانند که جامعه چیست عرض کردم فدایت شوم جامعه چیست؟ فرمود: صحیفه‌ای است به طول هفتاد ذراع با دست‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (هر ذراع فاصله بین انگشتان دست تا آرنج است) که خود آن جناب املاء نموده و علی بن ابی طالب علیه السلام با دست خود نوشته است در آن تمام حلال و حرام و هر چه مردم نیازمندند هست حتی جریمه خدشه. دست بر من نهاده فرمود: اجازه به من می‌دهی؟ عرض کردم هر کار مایلید بکنید. با دست خود مرا با حالت خشم آلود ضربه‌ای زد فرمود حتی جریمه این کار. عرض کردم به خدا این است علم.

فرمود این علم است و نه آن. (۱)

۱۳- عَنْ أَحْمَدَ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام قَالَ لِلْإِمَامِ عَلَمَاتٌ إِلَى أَنْ قَالَ: وَتَكُونُ عِنْدَهُ الْجَامِعَةُ وَ هِيَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِيهَا جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَوُلْدُ آدَمَ. (۲)

احمد بن محمد بن سعید ابن عقده کوفی در روایت خود گفت: علی بن حسن بن فضال از پدرش از امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام برای ما حکایت کرد که آن امام علیه السلام فرمود: برای امام علامت‌هایی است، تا این که فرمود: در نزد او جامعه است و جامعه صحیفه‌ای است به طول هفتاد ذراع و مشتمل بر همگی نیازمندی‌های اولاد آدم است. (۳)

۱۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بَعْضَ أَصْحَابِنَا عَنْ

۱- ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۳۳.

۲- من لایحضره الفقیه جلد ۴ صفحه ۴۱۸ حدیث ۵۹۱۴ و بحار الانوار جلد ۲۵ صفحه ۱۱۶ باب ۴۱ حدیث ۱ و احتجاج جلد ۲ صفحه ۴۳۶ و خصال جلد ۲ صفحه ۵۲۷ حدیث ۱ و معانی الاخبار صفحه ۱۰۲ و المناقب جلد ۱ صفحه ۲۵۳ و عیون اخبار الرضا علیه السلام جلد ۱ صفحه ۲۱۲ باب ۱۹ حدیث ۱ و جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۱ صفحه ۶۹۴ باب ۴۴ حدیث ۹۷۶-۴۸۲۱۶.

۳- ترجمه من لایحضره الفقیه جلد ۶ صفحه ۳۳۷.



الْجَفْرِ فَقَالَ هُوَ جِلْدُ ثَوْرٍ مَمْلُوءٌ عِلْماً فَقَالَ لَهُ مَا الْجَامِعَةُ فَقَالَ تِلْكَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً فِي عَرْضِ الْأَدِيمِ مِثْلُ فَخِذِ الْفَالِجِ فِيهَا كُلُّ مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ وَ لَيْسَ مِنْ قَضِيَّةٍ إِلَّا وَ فِيهَا حَتَّى أَرِشُ الْخَدَشِ. (۱)

ابو عبیده گفت: یکی از اصحاب از حضرت صادق علیه السلام راجع به جفر پرسید فرمود: پوست گاوی است پر از علم. سؤال کرد جامعه چیست؟ فرمود: صحیفه‌ای است به طول هفتاد ذراع در عرض یک پوست، چون ران یک شتر دو کوهان، در آن تمام نیازمندیهای مردم هست هر جریانی حکمش در آن وجود دارد حتی جریمه خدشه. (۲)

۱ - بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۴۱ باب ۱ حدیث ۷۲ و بصائر الدرجات صفحه ۱۵۳

باب ۱۴ حدیث ۶.

۲ - ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۳۵.

« کتاب علی علیه السلام بسیار بزرگ است و با تعابیری چون

«به طول هفتاد ذراع یا به اندازه ران شتر»

درباره وزن یا قد آن توضیح داده شده»

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ قَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحَدِهِمَا علیه السلام قَالَ إِنَّ عِنْدَنَا صَحِيفَةً مِنْ كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام أَوْ مُصْحَفِ عَلِيٍّ علیه السلام طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَنَحْنُ نَتَّبِعُ مَا فِيهَا فَلَا نَعْدُوَهَا. ^(۱)

از برید از محمد از یکی از دو امامان علیه السلام نقل می کند که فرمود: تحقیقا نزد ما صحیفه ای از کتاب علی علیه السلام یا مصحف علی علیه السلام است که طول آن هفتاد ذراع است پس ما از آن چه در آن هست تبعیت می کنیم و از آن تجاوز نمی کنیم.

۲ - [بصائر الدرجات] عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ

۱ - بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۳ حدیث ۵۰ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۶ باب ۱۲

حدیث ۲۰.

مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مَرْوَانَ عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَا فَضَيْلُ عِنْدَنَا كِتَابٌ عَلَيَّ سَبْعُونَ ذِرَاعاً [مَا] عَلَى الْأَرْضِ شَيْءٌ يُحْتَاجُ إِلَيْهِ إِلَّا وَهُوَ فِيهِ حَتَّى أَرُشُ الْخَدَشِ ثُمَّ خَطَّهُ بِيَدِهِ عَلَى إِبْهَامِهِ. (۱)

مروان از فضیل نقل کرد که حضرت باقر عليه السلام فرمود: یا فضیل! در نزد ما کتاب علی بن ابی طالب عليه السلام است بطول هفتاد ذراع که روی زمین هر چه مورد احتیاج باشد در آن هست حتی جریمه یک خدشه سپس با دست خود خطی کشید بر روی انگشت ابهام خویش. (۲)

۳- [بصائر الدرجات] بِإِسْنَادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ عِنْدَنَا كِتَابٌ عَلَيَّ عليه السلام سَبْعُونَ ذِرَاعاً. (۳)

مروان می گوید: شنیدم امام صادق عليه السلام می فرمود: نزد ما کتاب علی عليه السلام است که هفتاد ذراع است.

۴- [بصائر الدرجات] أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام نَحْوًا مِنْ

۱- مستدرک الوسائل جلد ۱۸ صفحه ۳۸۶ باب ۴۴ حدیث ۸ و بحار الانوار جلد ۲۶

صفحه ۳۴ باب ۱ حدیث ۵۴ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۷ باب ۱۳ حدیث ۱.

۲- ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۳۰.

۳- بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۴ باب ۱ حدیث ۵۵ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۸

باب ۱۳ حدیث ۶.

سِتِّينَ رَجُلًا قَالَ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ عِنْدَنَا وَ اللَّهِ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ حَلَالٍ أَوْ حَرَامٍ إِلَّا وَهُوَ فِيهَا حَتَّى إِنَّ فِيهَا أَرْضَ الْخَدَشِ^(۱)

محمد بن عبدالمکک گفت: در حدود شصت نفر در خدمت امام صادق علیه السلام بودیم تا این که فرمود بخدا قسم در نزد ما صحیفه‌ای است بطول هفتاد ذراع هیچ حلال و حرامی را خدا نیافریده مگر این که در آن هست حتی جریمه خدشه (با ناخن روی دست خود کشیدند).^(۲)

۵- كَانَ الصَّادِقُ علیه السلام يَقُولُ عَلِمْنَا غَابِرٌ وَ مَزْبُورٌ وَ نَكْتُ فِي الْقُلُوبِ وَ نَقُرُّ فِي الْأَسْمَاعِ وَ إِنَّ عِنْدَنَا الْجَفَرُ الْأَحْمَرُ وَ الْجَفَرُ الْأَبْيَضُ وَ مُصْحَفَ فَاطِمَةَ علیها السلام وَ عِنْدَنَا الْجَامِعَةُ فِيهَا جَمِيعُ مَا تَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ... وَ أَمَّا الْجَامِعَةُ فَهُوَ كِتَابُ طَوْلِهِ سَبْعُونَ ذِرَاعًا إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ فَلَقٍ فِيهِ وَ خَطُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام بِيَدِهِ فِيهِ وَ اللَّهِ جَمِيعُ مَا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى إِنَّ فِيهِ أَرْضَ الْخَدَشِ

۱- بحار الانوار جلد ۴۷ صفحه ۲۷۰ باب ۹ حدیث ۲ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه

۳۸ باب ۱ حدیث ۶۹ و بصائر الدرجات صفحه ۱۵۱ باب ۱۴ حدیث ۲ و جامع

الاحادیث جلد ۳۱ صفحه ۶۹۴ حدیث ۹۷۳-۴۸۲۱۳.

۲- ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۳۳.

وَالْجُلْدَةُ وَنِصْفِ الْجُلْدَةِ.^(۱)

و حضرت صادق علیه السلام می فرمود: علم ما غابر (راجع به آینده) است و یا مزبور (نوشته شده) و یا بصورت افتادن در دلها و تأثیر کردن در گوشها است و همانا نزد ما است جفر قرمز و جفر سفید و مصحف فاطمه علیها السلام و همانا در پیش ما جامعه است که در آن هر چه مردم به آن نیازمندند هست... و اما جامعه طوماری است به طول هفتاد ذراع که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را از دلب مبارک خود املاء نموده و علی بن ابی طالب علیه السلام به دست خود آن را نوشته، در آن است بخدا همه آن چه مردم تا روز قیامت به آن محتاجند، تا این که حکم جریمه خراش و زدن یک تازیانه و نصف آن نیز در آن موجود است.^(۲)

۶- عن جميل قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول الناس ثلاثة عالم و متعلم و غثاء نحن العلماء و شيعتنا المتعلمون و سائر الناس غثاء... و إن عندنا الجامعة فيها جميع ما يحتاجون إليه إلى ان قال: و أما الجامعة فكتاب طوله سبعون ذراعاً إملاء رسول الله صلی الله علیه و آله و خط علي بن أبي طالب عليه السلام بيده فيه أرش الخدش و الجلد و نصف

۱- احتیاج جلد ۲ صفحه ۳۷۲ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۱۸ باب ۱ حدیث ۱ و الارشاد جلد ۲ صفحه ۸۹۴ و روضه الواعظین جلد ۱ صفحه ۲۱۰ و کشف الغمه جلد ۲ صفحه ۱۶۹.

۲- ترجمه ارشاد مفید جلد ۲ صفحه ۱۸۰.

الجلدة: (۱)

جمیل گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: مردم سه دسته هستند: عالم، متعلم، غناء، علماء ما اهل بیت علیهم السلام هستیم، متعلم شیعیان ما می باشند، و سایر مردم هم غناء بشمار می روند... و جامعه کتابی است که طولش هفتاد ذراع است و این کتاب به املاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط علی بن ابی طالب علیه السلام می باشد، در آن کتاب کلیه احکام حتی دیه خدشه و تازیانه و نصف تازیانه هم وارد شده است. (۲)

۷- حدثنا علي بن الحسن بن الحسين السحائي عن محول بن إبراهيم عن أبي مریم قال قال لي أبو جعفر علیه السلام عندنا الجامعة و هي سبعون ذراعا فيها كل شيء حتى أرش الخدش إملاء رسول الله صلی الله علیه و آله و خط علي علیه السلام (۳)

ابی مریم می گوید برایم امام باقر علیه السلام فرمود: در نزد ما جامعه است آن هفتاد ذراع است در آن همه چیز هست حتی دیه خراش به املاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط علی بن ابی طالب علیه السلام.

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

۱- اعلام الوری صفحه ۲۸۴ فصل ۴.

۲- ترجمه اعلام الوری، زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام صفحه ۳۹۰.

۳- بصائر الدرجات صفحه ۱۶۰ باب ۱۴ حدیث ۳۱.

الْحَجَّالِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا الْجَامِعَةُ قَالَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا بِذِرَاعِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَإِمْلَائِهِ مِنْ فُلْقٍ فِيهِ وَخَطٌّ عَلَيَّ بِيَمِينِهِ فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَحَرَامٍ وَكُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ حَتَّى الْأَرْضُ فِي الْخَدَشِ. (۱)

ابی بصیر می گوید خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم قربانت گردم جامعه چیست؟ فرمود: طوماری است به طول هفتاد ذراع، پیامبر اکرم ﷺ با ملاء زبانی آن حضرت و دست خط علی علیه السلام تمام حلال و حرام و همه احتیاجات دینی مردم، حتی جریمه خراش در آن موجود است، سپس با دست به بدن من زد و فرمود: به من اجازه می دهی ای ابا محمد؟ عرض کردم من از آن شما میم هر چه خواهی بنما آن گاه با دست مبارک مرا نشگون گرفت و فرمود: حتی جریمه این نشگون در جامعه هست. (۲)

۹- الطالقانی عَنْ أَحْمَدَ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ

۱- کافی جلد ۱ صفحه ۲۳۸ حدیث ۱ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۸ باب ۱ حدیث ۷۰ و بصائر الدرجات صفحه ۱۵۱ باب ۱۴ حدیث ۳ و تأویل الایات الظاهرة صفحه ۱۰۸ و وسائل الشیعه جلد ۲۹ صفحه ۳۵۶ باب ۴۸ حدیث ۳۵۷۷۱ و مستدرک الوسائل جلد ۱۸ صفحه ۳۸۵ باب ۴۴ حدیث ۳.

۲- ترجمه اصول کافی جلد ۱ صفحه ۳۴۵.

عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام قَالَ لِلْإِمَامِ
عَلَمَاتٌ إِلَى أَنْ قَالَ: وَتَكُونُ عِنْدَهُ الْجَامِعَةُ وَهِيَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا
سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِيهَا جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَلَدُ آدَمَ. ^(۱)

احمد بن محمد بن سعيد ابن عقده کوفی در روایت خود گفت:
علی بن حسن بن فضال از پدرش از امام ابوالحسن علی بن موسی
الرضا علیه السلام برای ما حکایت کرد که آن امام علیه السلام فرمود: برای امام
علامت‌هایی است، تا این که فرمود: در نزد او جامعه است و جامعه
که صحیفه‌ای به طول هفتاد ذراع و مشتمل بر همگی نیازمندی‌های
اولاد آدم است. ^(۲)

۱۰- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ
ابْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بَعْضَ أَصْحَابِنَا عَنْ
الْجَفْرِ فَقَالَ هُوَ جِلْدٌ ثَوْرٍ مَمْلُوءٌ عِلْمًا فَقَالَ لَهُ مَا الْجَامِعَةُ فَقَالَ تِلْكَ
صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِي عَرْضِ الْأَدِيمِ مِثْلُ فَخِذِ الْفَالَجِ فِيهَا كُلُّ

۱- من لایحضره الفقیه جلد ۴ صفحه ۴۱۸ حدیث ۵۹۱۴ و بحار الانوار جلد ۲۵
صفحه ۱۱۶ باب ۴۱ حدیث ۱ و احتجاج جلد ۲ صفحه ۴۳۶ و خصال جلد ۲
صفحه ۵۲۷ حدیث ۱ و معانی الاخبار صفحه ۱۰۲ و المناقب جلد ۱ صفحه ۲۵۳ و
عیون اخبار الرضا علیه السلام جلد ۱ صفحه ۲۱۲ باب ۱۹ حدیث ۱ و جامع الاحادیث
شیعه جلد ۳۱ صفحه ۶۹۴ باب ۴۴ حدیث ۹۷۶-۴۸۲۱۶.

۲- ترجمه من لایحضره الفقیه جلد ۶

مَا يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَيْهِ وَ لَيْسَ مِنْ قَضِيَّةٍ إِلَّا وَ فِيهَا حَتَّى أَرُشُ الْخَدَشَ. (۱)

علی بن رئاب از حضرت صادق علیه السلام راجع به جامعه پرسید فرمود: آن صحیفه‌ای است هفتاد ذراع از پوست ران شتر بزرگ دو کوهان در آن تمام نیازمندی‌های مردم هست هرپیش آمدی جوابش در آن هست حتی جریمه خدشه. (۲)

۱۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ جَمِيعاً عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْجَدِّ فَقَالَ مَا أَحَدٌ قَالَ فِيهِ إِلَّا بِرَأْيِهِ إِلَّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ فَمَا قَالَ فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَقَالَ إِذَا كَانَ غَدًا فَالْقَنِي حَتَّى أَقْرِيكَ فِي كِتَابِ عَلِيِّ علیه السلام إِلَى أَنْ قَالَ، فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَيْهِ أَقْبَلَ عَلَى ابْنِهِ جَعْفَرٍ فَقَالَ أَقْرِي زُرَّارَةَ صَحِيفَةَ الْفَرَائِضِ ثُمَّ قَامَ لِيَنَامَ فَبَقِيتُ أَنَا وَ جَعْفَرٌ فِي الْبَيْتِ فَقَامَ وَ أَخْرَجَ إِلَيَّ صَحِيفَةً مِثْلَ فَخِذِ الْبَعِيرِ. (۳)

زراره می‌گوید: به ابوجعفر امام باقر علیه السلام گفتم سهم جد از میراث نبیره‌اش چیست؟ فرمود: هر کسی که درباره جد فتوا داده به

۱ - بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۴۱ باب ۱ حدیث ۷۲ و بصائر الدرجات صفحه ۱۵۳
باب ۱۴ حدیث ۶.

۲ - ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۲۴.

۳ - تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۲۷۱ باب ۲۳.

رأى شخصی خود فتوا داده است، جز امیرالمومنین علیه السلام که بر اساس قرآن فتوا داده است. من گفتم: خداوند شما را سلامت بدارد، مگر امیرالمومنین علیه السلام چه فتوائی داده است؟ ابو جعفر علیه السلام فرمود: فردا بیا تا فتوای امیرالمومنین علیه السلام را از روی کتاب و نوشته ارائه دهم. تا آن که ابو جعفر علیه السلام فرمود: ولی به خدا سوگند که آنچه را خواندی همه آن برحق است، طوماری که خوانده‌ای با املاى پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام تهیه شده است.^(۱)

« کتاب علی علیه السلام »

مأخذ احکام از سوی ائمه اطهار علیهم السلام بوده است»

۱ - مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیٰی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ یُونُسَ بْنِ یَعْقُوبَ عَنْ أَبِي مَرْیَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ تُوْفِّی عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بِالْأَبْوَاءِ وَهُوَ مُحْرِمٌ وَمَعَهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ وَعَبْدُ اللَّهِ وَعُبَيْدُ اللَّهِ ابْنَا الْعَبَّاسِ فَكَفَّنُوهُ وَخَمَّرُوا وَجْهَهُ وَرَأْسَهُ وَلَمْ يُحَنِّطُوهُ وَقَالَ هَكَذَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ. ^(۱)

ابی مریم می گوید امام صادق علیه السلام فرمود: عبدالرحمن بن حسن بن علی در ابواء در حالی که لباس احرام پوشیده بود از دنیا رفت و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و عبدالله بن جعفر و عبدالله و عبید الله بن عباس او را کفن کردند، سر و صورت او را پوشاندند

۱ - وسائل الشیعه جلد ۲ صفحه ۵۰۵ باب ۱۳ حدیث ۲۷۶۶-۸ و کافی جلد ۴ صفحه

۳۶۸ حدیث ۳ و بحار الانوار جلد ۴۴ صفحه ۱۷۲ باب ۲۳ حدیث ۸

ولی او را حنوط نمودند و فرمودند: در کتاب علی بن ابی طالب علیه السلام این طور نوشته است. (۱)

۲- الْكَافِي، عَنِ الْعِدَّةِ عَنْ سَهْلٍ عَنِ الْبَزَنْطِيِّ عَنِ الْكَاهِلِيِّ قَالَ سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنْ قَطْعِ أَلْيَاتِ الْغَنَمِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِقُطْعِهَا إِذَا كُنْتَ تُصْلِحُ بِهَا مَالَكَ ثُمَّ قَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام أَنَّ مَا قُطِعَ مِنْهَا مَيِّتٌ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ. (۲)

عبدالله بن یحیی کاهلی می گوید: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید و من حضور داشتم از بریدن پیه و دنبه گوسفند؟ فرمود: اگر در مقام معالجه و اصلاح باشد اشکال ندارد، سپس فرمود: در کتاب علی بن ابی طالب علیه السلام آمده است که آنچه از آن می برند مردار است و قابل انتفاع نیست. (۳)

۳- عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام كَانَ يَضْرِبُ بِالسَّوْطِ وَ بِنِصْفِ

۱- زندگانی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام ترجمه جلد ۴۴ بحار الانوار صفحه ۱۷۵.

۲- بحار الانوار جلد ۶۱ صفحه ۲۲۴ باب ۹ حدیث ۸ و کافی جلد ۶ صفحه ۲۵۴ حدیث ۱ و تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۷۸ باب ۲ حدیث ۶۵ و من لا یحضره الفقیه جلد ۳ صفحه ۳۲۹ حدیث ۴۱۷۶ و وسائل الشیعه جلد ۲۴ صفحه ۷۱ باب ۳۰ حدیث ۳۰۰۲۴-۱.

۳- ترجمه من لا یحضره الفقیه جلد ۴ صفحه ۴۵۲.

السَّوْطِ وَبَعْضِهِ فِي الْحُدُودِ وَكَانَ إِذَا أُتِيَ بِغُلَامٍ أَوْ جَارِيَةٍ لَمْ يُدْرِكَ
كَانَ يَأْخُذُ السَّوْطَ بِيَدِهِ مِنْ وَسْطِهِ أَوْ مِنْ ثُلْثِهِ فَيَضْرِبُ بِهِ عَلَى قَدْرِ
أَسْنَانِهِمْ وَ لَا يُبْطِلُ حَدًّا مِنْ حُدُودِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (۱)

حلبی (عبداللہ) گوید: امام صادق علیہ السلام فرمود: براستی که در
کتاب علی علیہ السلام چنین است که او در تأدیب کودکان تمام تازیانه را و
نصف آن را و بعض آن را بکار می برد، و حد را اجرا می کرد هرگاه
پسر یا دختر مجرم نابالغی را می آوردند، او حدی از حدود الهی را
معطل نمی گذاشت. از وی پرسیدند: آن حضرت چگونه با قسمتی از
تازیانه می زد؟ فرمود: آن را از وسط می گرفت و میزد، یا دو بخش آن
را از سه بخش رها می کرد و آنجا را می گرفت و با آن به اندازه سنشان
آنها را می زد، این چنین حدود خداوند را بر آنان جاری می کرد و آن
را عاطل نمی گذاشت. (۲)

۴- أَبِي عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الشَّعْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ

۱- تهذیب الاحکام جلد ۱۰ صفحه ۱۴۶ باب ۱۰ حدیث ۱۰ و بحار الانوار جلد ۷۶
صفحه ۸۸ باب ۷۷ حدیث ۳ و المحاسن جلد ۱ صفحه ۲۷۳ باب ۳۸ و عوالی
الالی جلد ۳ صفحه ۵۴۹ حدیث ۱۸ و من لایحضره الفقیه جلد ۴ صفحه ۷۴
حدیث ۵۱۴۸ و وسائل الشیعه جلد ۲۸ صفحه ۱۱ باب ۱ حدیث ۳۴۰۹۲-۱ و
کافی جلد ۷ صفحه ۱۷۶ حدیث ۱۳ و جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۰ صفحه ۵۰۶
حدیث ۶۸۵-۴۵۹۳۱.

۲- ترجمه من لایحضره الفقیه جلد ۵ صفحه ۴۱۹.

مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ أَوْصَى بِشَيْءٍ مِنْ مَالِهِ فَقَالَ لِي فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الشَّيْءُ مِنْ مَالِهِ وَاحِدٌ مِنْ سِتَّةٍ. (۱)

ابان بن تغلب از علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده است که از آن امام درباره مردی سؤال کردند که به «شیء» از مالش وصیت کند، امام علیه السلام فرمود: «شیء» در کتاب علی علیه السلام یکی از شش قسمت است. (۲)

۵- عن الحسين بن سعيد عن فضالة عن القاسم بن برید عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ فِي كِتَابِ عَلِيِّ امْرَأَةً زَوْجَهَا رَجُلٌ وَلَهَا عَيْبٌ دَلَّسْتُ بِهِ وَلَمْ يُبَيِّنْ ذَلِكَ لِزَوْجِهَا فَإِنَّهُ يَكُونُ لَهَا الصَّدَاقُ بِمَا اسْتَحَلَّ مِنْ فَرْجِهَا وَ يَكُونُ الَّذِي سَاقَ الرَّجُلُ إِلَيْهَا عَلَى الَّذِي زَوَّجَهَا وَلَمْ يُبَيِّنْ. (۳)

۱- معانی الاخبار صفحه ۲۱۷ باب معنی الشی من المال یوصی به و بحار الانوار جلد ۱۰۰ صفحه ۲۱۰ باب ۳ حدیث ۹ و تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۲۱۱ باب ۱۶ و وسائل الشیعه جلد ۱۹ صفحه ۳۸۸ باب ۵۶ حدیث ۲۴۸۲۳-۱ و کافی جلد ۷ صفحه ۴۰ حدیث ۱ و من لایحضره الفقیه جلد ۴ صفحه ۲۰۴ حدیث ۵۴۷۳ و جامع الاحادیث شیعه جلد ۲۴ صفحه ۴۸۲ حدیث ۶۹۹-۳۵۴۵۰.

۲- ترجمه من لایحضره الفقیه جلد ۶ صفحه ۴۸.

۳- وسائل الشیعه جلد ۲۱ صفحه ۲۱۴ باب ۲ حدیث ۲۶۹۲۵ و بحار الانوار جلد ۱۰۰

امام باقر علیه السلام فرمود: در کتاب امیرالمومنین علیه السلام است که هر کس زنی را که عیب را برای فریب، پنهان کرده و به شوهرش نگفته به ازدواج مردی در آورد در این صورت زن در برابر مباشرت جنسی که با او شده است حق مهر دارد و مهری که مرد به زن داده بر کسی است که زن را تزویج کرده و عیب را بیان نکرده است.^(۱)

۶- عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیه السلام قَالَ قَرَأْتُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ علیه السلام أَنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَزَوَّجَ بِالْمَرْأَةِ فَزَنَى قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا لَمْ تَحِلَّ لَهُ لِأَنَّهُ زَانٍ وَ يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا وَ يُعْطِيهَا نِصْفَ الصَّدَاقِ.^(۲)

از محمد بن یحیی و احمد بن ادريس از احمد بن محمد بن یحیی خزاز از طلحه بن زید از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل کرده اند که آن حضرت فرمودند: در کتاب علی

⇒ صفحه ۳۶۵ باب ۱۸ حدیث ۲۱ و نوادر الاشعری صفحه ۷۹ باب ۱۶ و تهذیب الاحکام جلد ۷ صفحه ۴۳۲ باب ۳۸ حدیث ۱۷۲۳-۳۴ و جامع الاحادیث شیعه جلد ۲۶ صفحه ۴۱۲ حدیث ۶۱۶-۲۸۸۹۷.

۱- منابع فقه شیعه ترجمه جامع الاحادیث شیعه جلد ۲۶ صفحه ۴۱۳.

۲- بحار الانوار جلد ۱۰۱ صفحه ۷ باب ۲۶ حدیث ۳ و علل الشرایع جلد ۲ صفحه ۵۰۱ باب ۲۶۴ حدیث ۱ و تهذیب الاحکام جلد ۷ صفحه ۴۸۱ باب ۴۱ حدیث ۱۷۵-۱۴۰ و من لایحضره الفقیه جلد ۳ صفحه ۴۱۶ حدیث ۴۴۵۲ و وسائل الشیعه جلد ۲۱ صفحه ۲۳۷ حدیث ۲۶۹۸۵-۳.

بن ابی طالب علیه السلام خواندم که مرد هرگاه با زنی ازدواج نمود و پیش از هم بستر شدن با او با زنی دیگر زنا کرد، زنی که به ازدواجش درآمدہ بر او حلال نیست چون وی زناکار است و بینشان جدایی انداخته و نصف مهر را هم باید به زن بپردازد. (۱)

۷- ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ سُوْقَةَ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُثَيْبَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام إِنَّ بَعْضَ النَّاسِ فِي فِيهِ اثْنَتَانِ وَ ثَلَاثُونَ سِنًا وَ بَعْضُهُمْ لَهُ ثَمَانِي وَ عِشْرُونَ سِنًا فَعَلَى كَمْ تُقَسَّمُ دِيَّةُ الْأَسْنَانِ فَقَالَ الْخُلُقَةُ إِنَّمَا هِيَ ثَمَانِي وَ عِشْرُونَ سِنًا اثْنَتَا عَشْرَةَ فِي مَقَادِيمِ الْفَمِ وَ سِتَّ عَشْرَةَ فِي مَوَاحِيرِهِ فَعَلَى هَذَا قُسِمَتْ دِيَّةُ الْأَسْنَانِ فَدِيَّةُ كُلِّ سِنٍّ مِنَ الْمَقَادِيمِ إِذَا كُسِرَتْ حَتَّى تَذَهَبَ خَمْسُمِائَةِ دِرْهَمٍ فَدِيَّتُهَا كُلُّهَا سِتَّةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَ فِي كُلِّ سِنٍّ مِنَ الْمَوَاحِيرِ إِذَا كُسِرَتْ حَتَّى تَذَهَبَ فَإِنَّ دِيَّتَهَا مِائَتَانِ وَ خَمْسُونَ دِرْهَمًا وَ هِيَ سِتَّ عَشْرَةَ سِنًا فَدِيَّتُهَا كُلُّهَا أَرْبَعَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ فَجَمِيعُ دِيَّةِ الْمَقَادِيمِ وَ الْمَوَاحِيرِ مِنَ الْأَسْنَانِ عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَ إِنَّمَا وُضِعَتِ الدِّيَّةُ عَلَى هَذَا فَمَا زَادَ عَلَى ثَمَانِي وَ عِشْرِينَ سِنًا فَلَا دِيَّةَ لَهُ وَ مَا نَقَصَ فَلَا دِيَّةَ لَهُ هَكَذَا وَ جَدْنَاهُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ علیه السلام (۲)

۱- ترجمه علل الشرایع جلد ۲ صفحه ۶۰۱.

۲- اختصاص صفحه ۲۵۴ و بحار الانوار جلد ۱۰۱ صفحه ۴۲۱ باب ۲ حدیث ۷ و

حکم بن عتیبه گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: بعضی از مردم در دهانشان سی و دو دندان است و بعضی بیست و هشت دندان. دیه دندان‌ها به چه تعداد دندان تقسیم می‌شود؟ حضرت فرمود: آفرینش دندان همان بیست و هشت دندان است، دوازده دندان در جلو و شانزده دندان در قسمت آخر دهان. دیه دندان‌ها بر این پایه تقسیم می‌شود. دیه هر دندان اگر از جلو بشکند و از بین برود پانصد درهم است و اینها دوازده دندان است که دیه‌اش شش هزار درهم است و دیه هر دندان از قسمت آخر دویست و پنجاه درهم است، بنابراین دیه همه دندان‌های جلو و عقب، ده هزار درهم است و تنها دیه برای همین‌ها است و بیش از بیست و هشت دندان دیه ندارد و اگر کمتر از بیست و هشت دندان بود باز مقدار کمتر دیه ندارد، این گونه ما در کتاب امیرالمومنین علی علیه السلام یافته‌ایم.^(۱)

۸- [الخصال] أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ فِي كِتَابِ

⇒ مستدرک الوسائل جلد ۱۸ صفحه ۳۷۷ باب ۳۵ و وسائل الشیعه جلد ۲۹ صفحه ۳۴۳ باب ۳۸ حدیث ۲-۳۵۷۴۰ و کافی جلد ۷ صفحه ۳۲۹ حدیث ۱ و تهذیب الاحکام جلد ۱۰ صفحه ۲۵۴ باب ۲۲ حدیث ۱۰۰۵-۳۸ و استبصار جلد ۴ صفحه ۲۸۸ باب ۱۷۲ حدیث ۱۰۸۹-۱ و جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۱ حدیث ۴۷۸۰۹-۵۶۹.

۱- منابع فقه شیعه ترجمه جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۱ صفحه ۳۹۷.

عَلِيٍّ عَلَيْهِ دِيَّةُ كَلْبِ الصَّيْدِ أَرْبَعُونَ دِرْهَمًا. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب امام علی علیه السلام است که دیه سگ شکاری چهل درهم است. (۲)

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام أَنَّ الْهَرَّ سَبْعُ فَلَا بَأْسَ بِسُورِهِ وَ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ أَنْ أَدَعَ طَعَامًا لِأَنَّ هِرًّا أَكَلَ مِنْهُ. (۳)

در حدیث صحیح از زراره از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: در کتاب حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام مذکور است که گربه از جمله سباع است و باکی نیست در سُور او، و مرا از حق سبحانه تعالی شرم می آید که نخورم طعامی را به سبب خوردن گربه از آن. (۴)

- ۱- خصال جلد ۲ صفحه ۵۳۹ حدیث ۹ و بحار الانوار جلد ۱۰۱ صفحه ۴۲۹ باب ۶ حدیث ۱ و وسائل الشیعه جلد ۲۹ صفحه ۲۶۷ باب ۱۹ حدیث ۳۵۵۱۴-۵ و جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۱ صفحه ۴۲۸ حدیث ۶۱۷-۴۷۸۵۷.
- ۲- منابع فقه شیعه ترجمه جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۱ صفحه ۴۲۹.
- ۳- کافی جلد ۳ صفحه ۹ حدیث ۴ و وسائل الشیعه جلد ۱ صفحه ۲۲۷ باب ۲ حدیث ۵۸۰-۲ و تهذیب الاحکام جلد ۱ صفحه ۲۲۷ باب ۱۰ حدیث ۶۵۵-۳۸.
- ۴- لوامع صاحبقرانه مشهور به شرح فقیه جلد ۱ صفحه ۲۲۲.

۱۰- مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ حَرِيزٍ أَوْ عَمَّنْ رَوَاهُ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ يَزُوْنُ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ يَأْمُرُ بِالْوُضُوءِ قَبْلَ الْغُسْلِ مِنَ الْجَنَابَةِ قَالَ كَذَبُوا عَلَى عَلِيٍّ عليه السلام مَا وَجَدْنَا ذَلِكَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا. (۱)

محمد بن مسلم می گوید به خدمت امام صادق عليه السلام عرض کردم مردم کوفه گمان می کنند و می گویند که حضرت علی عليه السلام امر کرده که قبل از غسل جنابت وضو باید گرفت حضرت فرمود بر حضرت علی عليه السلام دروغ بسته اند در کتاب علی عليه السلام نوشته که خدای تعالی فرموده وقتی جنب شدید خود را پاک نمائید.

۱۱- سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعَبَّاسِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَمُوتُ كَيْفَ يُصْنَعُ بِهِ قَالَ إِنَّ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ الْحَسَنِ عليه السلام مَاتَ بِالْأُبُوَاءِ مَعَ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ هُوَ مُحْرِمٌ وَ مَعَ الْحُسَيْنِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْعَبَّاسِ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ وَ صَنَعَ بِهِ كَمَا يُصْنَعُ بِالْمَيِّتِ وَ غَطَّى وَجْهَهُ وَ لَمْ يُمِسَّهُ طَبِيبًا قَالَ وَ ذَلِكَ كَانَ فِي

۱- تهذیب الاحکام جلد ۱ صفحه ۱۳۹ باب ۶ حدیث ۳۸۹-۸۰ و وسائل الشیعه جلد

۲ صفحه ۲۴۷ باب ۳۴ حدیث ۲۰۶۹-۵ و استبصار جلد ۱ صفحه ۱۲۵ باب ۷۵

حدیث ۴۲۶-۱.

کتابِ عَلِيِّ علیه السلام (۱)

ابن سنان از عبدالرحمن نقل می‌کند که از امام صادق علیه السلام سؤال کردم از محرمی که با حال احرام بمیرد با او چه باید کرد؟ امام صادق علیه السلام فرمود: عبدالرحمن بن حسن بن علی در ابواء در حالی که لباس احرام پوشیده بود از دنیا رفت و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و عبدالله بن جعفر و عبدالله و عبید الله بن عباس او را کفن کردند، سر و صورت او را پوشاندند ولی او را حنوط ننمودند و فرمودند: در کتاب علی بن ابی طالب علیه السلام این طور نوشته است.

۱۲ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ جَنَائِزِ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ إِذَا اجْتَمَعَتْ فَقَالَ يُقَدَّمُ الرِّجَالُ فِي كِتَابِ عَلِيِّ علیه السلام (۲).

عبدالرحمن بن ابی عبدالله می‌گوید سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام در خصوص وقتی که جنازه زن و مرد با هم جمع شد

۱- وسائل الشیعه جلد ۲ صفحه ۵۰۳ باب ۱۳ حدیث ۲۷۵۹-۱ و تهذیب الاحکام جلد ۱ صفحه ۳۲۹ باب ۱۳ حدیث ۹۶۳-۱۳۱.

۲- کافی جلد ۳ صفحه ۱۷۵ حدیث ۶ و وسائل الشیعه جلد ۳ صفحه ۱۲۶ باب ۳۲ حدیث ۳۱۹۸-۳ و تهذیب الاحکام جلد ۳ صفحه ۳۲۲ باب ۳۲ حدیث ۱۰۰۳-۲۹ و استبصار جلد ۱ صفحه ۴۷۲ باب ۲۹۱ حدیث ۱۸۲۶-۷.



کدام را ترجیح دهیم فرمود: در کتاب علی علیه السلام نوشته مردان مقدم
شمارده شوند.

۱۳- فَأَمَّا مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عُبَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ
الْوُتْرُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام وَاجِبٌ وَهُوَ وَتْرُ اللَّيْلِ وَالْمَغْرِبُ وَتْرُ
النَّهَارِ. (۱)

زراره از پدرش از حضرت صادق عليه السلام نقل می کند که فرمود: در
کتاب علی عليه السلام وتر واجب است و آن وتر در نماز شب است و نماز
مغرب وتر روز است.

۱۴- عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الطَّاطَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ
حَنْظَلَةَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْقَامَةُ وَالْقَامَتَانِ الذَّرَاعُ وَ
الذَّرَاعَانِ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام. (۲)

علی بن حنظله می گوید حضرت صادق عليه السلام برای من فرمود:
در تعیین وقت نماز منظور از یک قدم و دو قدم همان اندازه یک

۱- تهذیب الاحکام جلد ۲ صفحه ۲۴۳ باب ۱۲ حدیث ۹۶۲-۳۱ و وسائل الشیعه
جلد ۴ صفحه ۹۱ باب ۲۵ حدیث ۴۵۹۱-۴.

۲- تهذیب الاحکام جلد ۲ صفحه ۲۳ باب ۴ حدیث ۶۴-۱۵ و وسائل الشیعه جلد ۴
صفحه ۱۴۴ باب ۸ حدیث ۴۷۵۴-۱۴ و استبصار جلد ۱ صفحه ۲۵۱ باب ۱۴۷
حدیث ۲۷ ۹۰۰- و بحار الانوار جلد ۸۰ صفحه ۳۸ باب ۷.

ذراع و دو ذراع در کتاب علی علیه السلام است.

۱۵- وَ عَنْهُ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ عُبَيْدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ التَّشَهُدُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام شَفْعٌ. (۱)

یعقوب بن شعیب از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که حضرت فرمود: تشهد در کتاب حضرت علی علیه السلام دو تا است.

۱۶- وَ عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام صُمْ لِرُؤُوسِهِ وَ أَفْطِرْ لِرُؤُوسِهِ وَ إِيَّاكَ وَ الشَّكَّ وَ الظَّنَّ فَإِنْ خَفِيَ عَلَيْكُمْ فَأَتِمُّوا الشَّهْرَ الْأَوَّلَ ثَلَاثِينَ. (۲)

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: در کتاب علی علیه السلام نوشته که با دیدن ماه روزه بگیرید و با دیدن ماه افطار کنید و بپرهیزید از شک و ظن پس اگر ماه را ندیدید از ماه قبل سی روز باید بگذرد.

۱- وسائل الشیعه جلد ۶ صفحه ۳۹۸ باب ۴ حدیث ۸۲۷۶-۵ و تهذیب الاحکام جلد ۲ صفحه ۱۰۲ باب ۸ حدیث ۳۸۰-۱۴۸.

۲- وسائل الشیعه جلد ۱۰ صفحه ۲۵۵ باب ۳ حدیث ۱۳۳۴۹-۱۱ و تهذیب الاحکام جلد ۴ صفحه ۱۵۸ باب ۴۱ حدیث ۴۴۱-۱۳ و استبصار جلد ۲ صفحه ۶۴ باب ۳۳ حدیث ۲۰۸-۱۰.

۱۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرَمِ يَلْبَسُ الطَّيْلَسَانَ الْمَزْرُورَ فَقَالَ نَعَمْ وَفِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام لَا يَلْبَسُ طَيْلَسَانًا حَتَّى يَنْزِعَ أَزْرَارَهُ فَحَدَّثَنِي أَبِي أَنَّهُ إِنَّمَا كَرِهَ ذَلِكَ مَخَافَةَ أَنْ يَزُرَّهُ الْجَاهِلُ عَلَيْهِ. (۱)

حلبی از امام صادق عليه السلام سؤال کرد که آیا برای محرم جایز است طیلسان دکمه دار بر تن کند و امام فرمود: آری، در کتاب علی عليه السلام آمده است که طیلسانی را میپوش مگر آن که دکمه های آن را بگشائی، و گفت: همانا که او از این جهت آن را مکروه می داشته که بیم آن می رفته است که شخص جاهل به احکام لباس محرم دکمه های آن را بر خود ببندد و به همین جهت پوشیدن آن برای فقیه بلامانع است. (۲)

۱۸- وَ الَّذِي رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام فِي بَيْضِ الْقَطَاةِ بَكَارَةً مِنَ الْغَنَمِ إِذَا أَصَابَهُ الْمُحْرَمُ مِثْلُ مَا فِي بَيْضِ النَّعَامِ

۱- وسائل الشیعه جلد ۱۲ صفحه ۴۷۵ باب ۳۶ حدیث ۱۶۱۱۸-۲ و من لایحضره

الفقیه جلد ۲ صفحه ۳۳۸ حدیث ۲۶۱۴ و کافی جلد ۴ صفحه ۳۴۰ حدیث ۷.

۲- ترجمه من لایحضره الفقیه جلد ۳ صفحه ۲۲۵.

بَكَارَةٍ مِنَ الْإِبِلِ. (۱)

سلیمان بن خالد گفت حضرت اباعبداللہ علیہ السلام فرمودند در کتاب علی علیہ السلام در خصوص کفاره تخم مرغ سنگخواره نوشته که بچه گوسفند است برای محرم مانند کفاره تخم شتر مرغ که بچه شتر است.

۱۹- مُوسَى بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیہ السلام قَالَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیہ السلام فِي بَيْضِ الْقَطَاةِ كَفَّارَةٌ مِثْلُ مَا فِي بَيْضِ النَّعَامِ. (۲)

سلیمان بن خالد گفت حضرت امام صادق علیہ السلام فرمودند در کتاب علی علیہ السلام در خصوص کفاره تخم مرغ سنگخواره نوشته مثل کفاره تخم شتر مرغ است.

۲۰- مُوسَى بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَلَاءٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا علیہ السلام قَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیہ السلام إِذَا طَافَ الرَّجُلُ بِالْبَيْتِ

۱- وسائل الشیعه جلد ۱۳ صفحه ۵۵ باب ۲۴ حدیث ۱۷۲۲۳-۴ و تهذیب الاحکام جلد ۵ صفحه ۳۵۵ باب ۲۵ حدیث ۱۲۳۳-۱۴۶ و کافی جلد ۴ صفحه ۳۸۹ حدیث ۵ و استبصار جلد ۲ صفحه ۲۰۲ باب ۱۲۸ حدیث ۶۸۷-۴.

۲- تهذیب الاحکام جلد ۵ صفحه ۳۵۷ باب ۲۵ حدیث ۱۲۴-۱۵۳ و وسائل الشیعه جلد ۱۳ صفحه ۵۵ باب ۲۴ حدیث ۱۷۲۲-۲ و استبصار جلد ۲ صفحه ۲۰۴ باب ۱۲۹ حدیث ۶۹۳-۵ و عوالی الالی جلد ۳ صفحه ۱۷۳ باب الحج.

ثَمَانِيَةَ أَشْوَاطٍ الْفَرِيضَةَ وَ اسْتَيْقَنَ ثَمَانِيَةً أَضَافَ إِلَيْهَا سِتًّا وَ كَذَا إِذَا اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ سَعَى ثَمَانِيَةً أَضَافَ إِلَيْهَا سِتًّا.^(۱)

محمد بن مسلم از یکی از دو امام علیه السلام نقل می کند که همانا در کتاب علی علیه السلام هست که هنگامی که فردی هشت شوط طواف واجب کرد پس یقین کرد که هشت تا هست به آن شش تای دیگر اضافه کند و هم چنین هنگامی که یقین کرد هشت دور سعی کرده به آن شش تا اضافه کند.

۲۱- مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقْلًا مِنْ نَوَادِرِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ زَنْطِيٍّ عَنْ جَمِيلٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَمَّنْ طَافَ ثَمَانِيَةَ أَشْوَاطٍ وَ هُوَ يَرَى أَنَّهَا سَبْعَةٌ قَالَ فَقَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ إِذَا طَافَ ثَمَانِيَةَ أَشْوَاطٍ يَضُمُّ إِلَيْهَا سِتَّةَ أَشْوَاطٍ ثُمَّ يُصَلِّي الرُّكْعَاتِ بَعْدُ قَالَ وَ سُئِلَ عَنِ الرُّكْعَاتِ كَيْفَ يُصَلِّيْنَهَا أَوْ يَجْمَعُهُنَّ أَوْ مَاذَا قَالَ يُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ لِلْفَرِيضَةِ ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَإِذَا رَجَعَ مِنْ طَوَافِهِ بَيْنَهُمَا رَجَعَ يُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ لِلْأُسْبُوعِ الْآخِرِ.^(۲)

۱- وسائل الشیعه جلد ۱۳ صفحه ۳۶۶ باب ۳۴ حدیث ۱۷۹۶۶-۱۰ و تهذیب الاحکام جلد ۵ صفحه ۱۵۲ باب ۱۰ حدیث ۵۰۲-۲۷ و استبصار جلد ۲ صفحه ۲۴۰ باب ۱۶ حدیث ۸۳۵-۵.

۲- وسائل الشیعه جلد ۱۳ صفحه ۳۶۷ باب ۳۴ حدیث ۱۷۹۷۲-۱۶ و مستطرفات السرائر صفحه ۵۶۰.

جمیل از حضرت صادق علیه السلام سؤال می کند از کسی که هشت شوط طواف کند و فکر می کند هفت تا انجام داده است فرمود همانا در کتاب علی علیه السلام هست که هنگامی که هشت شوط طواف کرد به آن شش تای دیگر بیافزاید سپس دو رکعت نماز بخواند سؤال شد از تعداد رکعات و چگونه بخواند آیا آنها را با هم جمع کند یا خیر فرمود دو رکعت نماز بخواند و به صفا و مروه برود و هنگامی که از طواف بازگشت برگردد و دو رکعت دیگر برای هفت تای آخر بخواند.

۲۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام فِي كُلِّ شَهْرِ عُمْرَةٍ. (۱)

حجاج از ابی عبدالله علیه السلام نقل می کند که فرمود: در کتاب علی علیه السلام است که برای هر ماهی عمره ای مقرر است. (۲)

۲۳- الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَحْتَاجُ إِلَى مَالِ ابْنِهِ

۱- وسائل الشیعه جلد ۱۴ صفحه ۳۰۷ باب ۶ حدیث ۱۹۲۷۳-۱ و کافی جلد ۴

صفحه ۵۳۴ باب العمرة حدیث ۱.

۲- ترجمه من لا یحضره الفقیه جلد ۳ صفحه ۳۴۸.

قَالَ يَأْكُلُ مِنْهُ مَا شَاءَ مِنْ غَيْرِ سَرَفٍ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ الْوَلَدَ لَا يَأْخُذُ مِنْ مَالِ وَالِدِهِ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِهِ وَالْوَالِدُ يَأْخُذُ مِنْ مَالِ ابْنِهِ مَا شَاءَ وَلَهُ أَنْ يَقَعَ عَلَى جَارِيَةِ ابْنِهِ إِذَا لَمْ يَكُنِ الْإِبْنُ وَقَعَ عَلَيْهَا وَذَكَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِرَجُلٍ أَنْتَ وَمَالُكَ لِأَبِيكَ. (۱)

محمد بن مسلم می گوید از امام باقر علیه السلام درباره شخصی سؤال کردم که به مال فرزندش نیازمند می شود امام علیه السلام فرمود: هر چه بخواهد - بدون زیاده روی - از آن می خورد. و فرمود: در کتاب علی علیه السلام آمده است فرزند - بدون اجازه - چیزی از مال پدرش بر نمی دارد، ولی پدر هر چه بخواهد از مال فرزندش بر می دارد و می تواند با کنیز پسرش آمیزش کند در صورتی که پسر با آن آمیزش نکرده باشد. و فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شخصی گفت تو و مالت متعلق به پدرت هستی. (۲)

۲۴ - مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ

۱ - تهذیب الاحکام جلد ۶ صفحه ۳۴۳ باب ۹۳ حدیث ۹۶۱-۸۲ و کافی جلد ۵ صفحه ۱۳۵ حدیث ۵ و استبصار جلد ۳ صفحه ۴۸ حدیث ۱۵۷-۱ و من لایحضره الفقیه جلد ۳ صفحه ۴۵۲ حدیث ۴۵۶۱ و وسائل الشیعه جلد ۲۱ صفحه ۱۴۱ باب ۴۰ حدیث ۲۲۴۷۹-۱ و مستدرک الوسائل جلد ۱۳ صفحه ۱۹۷ باب ۱۲ حدیث ۱۵۰۸۶ و جامع الاحادیث شیعه جلد ۲۲ صفحه ۷۷۳ حدیث ۱۳۴۲-۳۲۵۵۵.

۲ - منابع فقه شیعه ترجمه جامع الاحادیث شیعه جلد ۲۲ صفحه ۷۷۳.

هَشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ
إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام إِذَا أَخَذَ الرَّجُلُ مَعَ غُلَامٍ فِي لِحَافٍ مُجَرَّدَيْنِ
ضَرَبَ الرَّجُلُ وَادَّبَ الْغُلَامُ وَإِنْ كَانَ ثَقَبَ وَكَانَ مُحْصَنًا رُجِمَ. ^(۱)

ابوبصیر می گوید شنیدم امام صادق عليه السلام می فرمود: در کتاب
امیرالمومنین علی عليه السلام است زمانی که مردی را با پسری در یک
لحاف برهنه دستگیر کنند مرد را می زنند و پسر را تادیب می کنند و
اگر مرد دخول کرده باشد و محصن بوده سنگسار می شود. ^(۲)

۲۵- مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ تَطْلِيقَةً
عَلَى طَهْرٍ ثُمَّ أَمْسَكَهَا فِي مَنْزِلِهِ حَتَّى حَاضَتْ حَيْضَتَيْنِ وَ طَهَّرَتْ ثُمَّ
طَلَّقَهَا تَطْلِيقَةً عَلَى طَهْرٍ قَالَ هَذِهِ إِذَا حَاضَتْ ثَلَاثَ حِيضٍ مِنْ يَوْمٍ طَلَّقَهَا
التَّطْلِيقَةَ الْأُولَى فَقَدْ حَلَّتْ لِلرَّجَالِ وَ لَكِنْ كَيْفَ أَصْنَعُ أَوْ أَقُولُ هَذَا وَ
فِي كِتَابِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَنَّ امْرَأَةً أَتَتْ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَتْ
يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفْتِنِي فِي نَفْسِي فَقَالَ لَهَا فِيمَا أَفْتِيكَ قَالَتْ إِنَّ زَوْجِي

۱- وسائل الشیعه جلد ۲۰ صفحه ۳۳۸ باب ۱۹ حدیث ۲۵۷۶۸-۱ و استبصار جلد ۴

صفحه ۲۲۱ باب ۱۲۶ حدیث ۸۲۷-۱۰ و تهذیب الاحکام جلد ۱۰ صفحه ۵۵ باب

۲ حدیث ۲۰۳-۱۲ و کافی جلد ۷ صفحه ۲۰۰ باب الحد فی اللواط حدیث ۱۲۰ و

جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۰ صفحه ۷۶۴ حدیث ۱۲۳۶-۴۶۴۷۴.

۲- منابع فقه شیعه ترجمه جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۰ صفحه ۷۶۵.



طَلَّقَنِي وَ أَنَا طَاهِرٌ ثُمَّ أَمْسَكَنِي لَأَ يَمْسُنِي حَتَّى إِذَا طَمِئْتُ وَ طَهُرْتُ
 طَلَّقَنِي تَطْلِيقَةً أُخْرَى ثُمَّ أَمْسَكَنِي لَأَ يَمْسُنِي إِلَّا أَنَّهُ يَسْتَخْدِمُنِي وَ يَرَى
 شَعْرِي وَ نَحْرِي وَ جَسَدِي حَتَّى إِذَا طَمِئْتُ وَ طَهُرْتُ الثَّالِثَةَ طَلَّقَنِي
 التَّطْلِيقَةَ الثَّالِثَةَ قَالَ فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَيَّتُهَا الْمَرْأَةُ لَأَ تَزَوَّجِي
 حَتَّى تَحِيضِي ثَلَاثَ حِيضٍ مُسْتَأْنَفَاتٍ فَإِنَّ الثَّلَاثَ حِيضٍ الَّتِي حِضَّتِيهَا وَ
 أَنْتِ فِي مَنْزِلِهِ إِنَّمَا حِضَّتِيهَا وَ أَنْتِ فِي حَبَالِهِ. ^(۱)

محمد بن مسلم می گوید از حضرت امام صادق علیه السلام در مورد
 مردی سؤال کردم که زنش را یک بار در موقعی که پاک بوده طلاق
 داده و به آن زن در منزلش نزدیک نشده تا این که دوبار حیض شده و
 پاک گشته سپس او را دو بار در حال پاکی طلاق داده. حضرت
 فرمودند: این زن زمانی که از روز طلاق اول سه بار حیض بشود
 برای مردان حلال است اما من چگونه چنین حرفی را می گویم در
 کتاب علی علیه السلام آمده است که زنی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و
 عرض کرد یا رسول الله صلی الله علیه و آله در مورد خودم به من فتوا بدهید
 حضرت به او فرمودند که در مورد چه چیزی به تو فتوا بدهم؟ آن زن
 گفت: شوهرم مرا در حالی که پاک بودم طلاق داد و به من نزدیک

۱ - تهذیب الاحکام جلد ۸ صفحه ۸۱ باب ۳ حدیث ۲۷۸-۱۹۷ و استبصار جلد ۳

صفحه ۲۸۳ باب ۱۶۷ حدیث ۱۰۰۲-۱۰ و وسائل الشیعه جلد ۲۲ صفحه ۱۴۰

باب ۱۶ حدیث ۲۸۲۲۰-۴.

نشد و دست نزد تا این که من خون دیدم و پاک شدم او یک بار دیگر مرا طلاق داد و از من دوری کرد و به من دست نزد فقط مرا به خدمت گرفته بود و مو و گلو و جسمم را می دید تا زمانی که برای بار سوم خون دیدم و پاک شدم او مرا برای بار سوم طلاق داد. حضرت به او فرمودند ای زن تو ازدواج نمی کنی تا این که سه مرتبه به گونه ای حیض شوی که هر بار مستقل و جداگانه باشد اما این سه بار که تو حیض شدی و در منزلش بودی فقط حیض شدی در حالی که در اختیارش بودی (یعنی می توانستی حامله بشوی).

۲۶- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَبَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام إِذَا طَرَفَتِ الْعَيْنُ أَوْ رَكَضَتِ الرَّجُلُ أَوْ تَحَرَّكَ الذَّنْبُ فَكُلُّ مِنْهُ فَقَدْ أَدْرَكَتْ ذَكَاتَهُ. ^(۱)

ابوبصیر از امام صادق عليه السلام سؤال کرد: گوسفندی را ذبح کردند و هیچ حرکتی نداشت ولی خون تازه بسیاری از رگهای او می ریخت از آن می توان خورد؟ امام عليه السلام فرمود: از آن مخور زیرا در کتاب امیرمؤمنان علی عليه السلام نوشته: اگر پاها حرکت داشت یا چشم برهم

۱- کافی جلد ۶ صفحه ۲۳۲ باب ادراک الذکاة حدیث ۱ و تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۵۷ باب ۱ حدیث ۲۳۷ و وسائل الشیعه جلد ۲۴ صفحه ۲۳ باب ۱۱ حدیث ۷-۲۹۸۹۲.

می خورد از آن بخور.^(۱)

۲۷- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیٰی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلِیهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ لُحُومِ الْخَيْلِ فَقَالَ لَا تَأْكُلْ إِلَّا أَنْ تُصِيبَكَ ضَرُورَةٌ وَ لُحُومِ الْحُمْرِ الْأَهْلِيَّةِ فَقَالَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عَلِیهِ السَّلَامُ أَنَّهُ مَنَعَ أَكْلَهَا.^(۲)

ابان می گوید به من خبر دادند که از امام صادق عَلِیهِ السَّلَامُ سؤال کردند از گوشت اسبان پس فرمود از آن نخور مگر ضرورتی برایت ایجاد شود و گوشت حیوانات اهلی فرمود در کتاب علی عَلِیهِ السَّلَامُ از خوردن آن منع شده است.

۲۸- رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ أَقْرَأَنِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلِیهِ السَّلَامُ شَيْئًا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عَلِیهِ السَّلَامُ فَإِذَا فِيهِ أَنَّهَا كُمْ عَنِ الْجَرِيثِ وَ الزَّمِيرِ وَ الْمَارْمَاهِي وَ الطَّافِي وَ الطَّحَالِ...^(۳)

۱- ترجمه من لایحضره الفقیه جلد ۴ صفحه ۴۵۰.

۲- کافی جلد ۶ صفحه ۲۴۶ حدیث ۱۲ و تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۴۰ باب ۱ حدیث ۱۶۹ و استبصار جلد ۷۴ باب ۴۷ حدیث ۲۷۳-۶ و وسائل الشیعه جلد ۲۴ صفحه ۱۱۸ باب ۴۰ حدیث ۱۲۲-۳.

۳- وسائل الشیعه جلد ۲۴ صفحه ۱۳۰ باب ۹ حدیث ۱۵۵-۳۰۱ و تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۲ باب ۱ حدیث ۱ و کافی جلد ۶ صفحه ۲۱۹ باب آخر منه حدیث

محمد بن مسلم می گوید ابو جعفر امام باقر علیه السلام قسمتی از طومار امیرالمومنین علی علیه السلام را در اختیار من نهاد در آن طومار خواندم که «من شما را از خوردن ماهی سبیل دار، ماهی خاردار، مارماهی، ماهی روآبی (مرده)، طحال دامها منع می کنم.»^(۱)

۲۹- عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لَا تَأْكُلُوا الْجَرِّيَّ وَلَا الطَّحَالَ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَرِهَهُ وَقَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام يُنْهَى عَنِ الْجَرِّيِّ وَعَنْ جُمَاعٍ مِنَ السَّمَكِ.^(۲)

حلبی می گوید امام صادق علیه السلام فرمود جری (ماهی مارسر) و طحال حیوانات را نخورید تحقیقا رسول خدا صلی الله علیه و آله از آنها کراهت داشت و در کتاب علی علیه السلام از خوردن جری و جمعی از ماهیان نهی شده است.

۳۰- عَنْهُ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ غَيْرٍ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ الْجَرِّيُّ وَالْمَارْمَاهِي وَالطَّافِي حَرَامٌ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام.^(۳)

۱- ترجمه گزیده کافی جلد ۵ صفحه ۳۵۶.

۲- وسائل الشیعه جلد ۲۴ صفحه ۱۳۴ باب ۹ حدیث ۳۰۱۷۰-۱۶ و تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۶ باب الصيد و الزکاة حدیث ۱۸.

۳- وسائل الشیعه جلد ۲۴ صفحه ۱۳۴ باب ۹ حدیث ۳۰۱۶۹-۱۶ و تهذیب الاحکام

فضال از عده‌ای از اصحاب از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: جری و مارماهی و ماهی مرده در آب در کتاب علی علیه السلام حرام شمرده شده‌اند.

۳۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ سَأَلَ الْعَلَاءُ بْنَ كَامِلٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا حَاضِرٌ عَنِ الْجَرِيِّ فَقَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام أَشْيَاءَ مُحَرَّمَةً مِنَ السَّمَكِ فَلَا تَقْرُبُهَا ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ قِشْرٌ مِنَ السَّمَكِ فَلَا تَقْرُبْنَهُ. ^(۱)

حنان بن سدير می‌گوید در حضور ابو عبدالله امام صادق عليه السلام بودم که علاء بن کامل پرسید ماهی سبیل‌دار حلال است؟ امام عليه السلام فرمود: در طومار امیرالمومنین عليه السلام مشاهده می‌کنیم که برخی از انواع ماهی حرام است به ماهی سبیل‌دار نزدیک مشو امام صادق عليه السلام فرمود هر نوع ماهی که پولک ندارد به آن نزدیک مشو. ^(۲)

۳۲- وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْجَهْمِ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْجَرِيثِ فَقَالَ وَ اللَّهُ

⇒ جلد ۹ صفحه ۵ باب ۱ حدیث ۱۲ و عوالی اللالی جلد ۳ صفحه ۴۶۴ باب

الاطعمة و الاشربة و استبصار جلد ۴ صفحه ۵۹ باب ۳۸ حدیث ۲۰۴-۵.

۱- وسائل الشیعه جلد ۲۴ صفحه ۱۳۱ باب ۹ حدیث ۱۵۸-۳۰۴ و کافی جلد ۶

صفحه ۲۲۰ باب آخر منه حدیث ۷.

۲- ترجمه گزیده کافی جلد ۵ صفحه ۳۵۷.

مَا رَأَيْتُهُ قَطُّ وَلَكِنْ وَجَدْنَاهُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام حَرَامًا. ^(۱)

محمد بن مسلم می گوید از امام صادق علیه السلام سؤال کردم از ماهی سبیل دار فرمود بخدا قسم من ندیدم ولی در کتاب علی علیه السلام آن را حرام یافتیم.

۳۳- عَنْهُ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَاصِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَمَّا يُكْرَهُ مِنَ السَّمَكِ فَقَالَ أَمَّا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام فَإِنَّهُ نَهَى عَنِ الْجَرِّثِ. ^(۲)

ابی بصیر می گوید از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که کدامیک از ماهیان را کراحت دارید؟ فرمود در کتاب علی علیه السلام نهی از ماهی سبیل دار کرده اند.

۳۴- عَنْهُ عَنِ فَضَالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام لَا أَمْتَنَعُ مِنْ طَعَامٍ طَعِمَ مِنْهُ السِّنُّورُ

۱- وسائل الشیعه جلد ۲۴ صفحه ۱۳۳ باب ۹ حدیث ۳۰۱۶۶-۱۲ و تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۴ باب ۱ حدیث ۹ و استبصار جلد ۴ صفحه ۵۸ باب ۳۸ حدیث ۲۰۱-۲.

۲- وسائل الشیعه جلد ۲۴ صفحه ۱۳۳ باب ۹ حدیث ۳۰۱۶۷-۱۳ و تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۴ باب ۱ حدیث ۱۰ و استبصار جلد ۴ صفحه ۵۹ باب ۳۸ حدیث ۲۰۲-۳.

وَلَا مِنْ شَرَابٍ شَرِبَ مِنْهُ السُّنُّورُ. (۱)

ابی مریم انصاری از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند: در کتاب علی علیه السلام نوشته از غذائی که گربه بدان دهان زده باشد خودداری نمی کنم و هم چنین از آن آشامیدنی که گربه از آن نوشیده باشد پرهیز نمی کنم. (۲)

۳۵- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَمَاعَةَ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام أَنْ كُلَّ ذِي رَحِمٍ بِمَنْزِلَةِ الرَّحِمِ الَّذِي يَجْرُ بِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ وَارِثُ أَقْرَبَ إِلَى الْمَيِّتِ مِنْهُ فَيَحْجُبُهُ. (۳)

ابو ایوب خزاز می گوید ابو عبدالله امام صادق علیه السلام فرمود: در طومار علی علیه السلام چنین آمده است: هر خویشاوندی که در طبقه بعدی

۱- وسائل الشیعه جلد ۲۴ صفحه ۲۰۰ باب ۴۷ حدیث ۳۰۳۳۸-۱ و تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۸۶ باب ۲ حدیث ۳۶۴-۹۹.

۲- ترجمه کتاب من لا یحضره الفقیه جلد ۱ صفحه ۲۴.

۳- کافی جلد ۷ صفحه ۷۷ حدیث ۱ و وسائل الشیعه جلد ۲۶ صفحه ۶۸ باب ۲ حدیث ۳۲۴۹۹ و تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۳۲۵ باب ۳۰ حدیث ۱۱۷۰-۹ و وسائل الشیعه جلد ۲۶ صفحه ۱۸۸ باب ۲ حدیث ۳۲۷۹۲ و وسائل الشیعه جلد ۲۶ صفحه ۱۶۲ باب ۵ حدیث ۳۲۷۲۲ و استبصار جلد ۴ صفحه ۱۶۹ باب ۱۰۱ حدیث ۶۴۰-۱.

قرار بگیرد به منزله آن خویشاوندی است که میراث میت را از راه خویشاوندی به سوی خود می‌کشد، جز آن که طبقه پیشین زنده باشند طبقه بعدی را حذف می‌کنند. (۱)

۳۶- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ يُونُسَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام أَنَّ الْإِخْوَةَ مِنَ الْأُمِّ لَا يَرِثُونَ مَعَ الْجَدِّ. (۲)

قاسم بن سلیمان گفت: حضرت اباعبدالله امام صادق علیه السلام فرمود تحقیقا در کتاب علی علیه السلام هست که برادران مادری ارث نمی‌برند با وجود جد.

۳۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ كُلُّهُمْ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ شَيْءٍ مِنَ الْفَرَائِضِ فَقَالَ لِي أَلَا أُخْرِجُ لَكَ كِتَابَ عَلِيِّ عليه السلام فَقُلْتُ كِتَابُ عَلِيِّ عليه السلام لَمْ يُدْرَسْ فَقَالَ يَا

۱- ترجمه گزیده کافی جلد ۶ صفحه ۱۱۲.

۲- وسائل الشیعه جلد ۲۶ صفحه ۱۷۴ باب ۸ حدیث ۳۲۷۶۲-۸ و تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۳۰۸ باب ۲۸ حدیث ۱۱۰۳-۲۴ و استبصار جلد ۴ صفحه ۱۶۰ باب ۹۶ حدیث ۶۰۷-۸.

أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ كِتَابَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُدْرَسْ فَأَخْرَجَهُ فَإِذَا كِتَابٌ جَلِيلٌ وَإِذَا فِيهِ رَجُلٌ مَاتَ وَتَرَكَ عَمَّهُ وَخَالَهُ قَالَ لِلْعَمِّ الثُّلَثَانِ وَ لِلْخَالِ الثُّلُثُ. (۱)

ابوبصیر می گوید از امام صادق علیه السلام از یکی از فرائض سؤال کردم پس به من فرمود صبر کن تا برای تو کتاب علی علیه السلام را بیاورم گفتم کتاب علی علیه السلام کهنه نمی شود فرمود ای ابامحمد تحقیقا کتاب علی علیه السلام کهنه نمی شود پس آن را آورد کتاب جلیلی بود و در آن بود وقتی مردی بمیرد و عمو و دایی از او بماند برای عمو دو ثلث و برای دایی یک ثلث ارث هست.

۳۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْقَوْمِ يَغْرُقُونَ فِي السَّفِينَةِ أَوْ يَقَعُ عَلَيْهِمُ الْبَيْتُ فَيَمُوتُونَ فَلَا يُعْلَمُ أَيُّهُمْ مَاتَ قَبْلَ صَاحِبِهِ فَقَالَ يُورَثُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ كَذَلِكَ هُوَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۲)

۱- وسائل الشیعه جلد ۲۶ صفحه ۱۸۶ باب ۲ حدیث ۳۲۷۸۷-۱ و کافی جلد ۷ صفحه ۱۱۹ باب میراث ذوی الارحام حدیث ۱ و تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۳۲۴ باب ۳۰ حدیث ۱۱۶۲-۱.

۲- وسائل الشیعه جلد ۲۶ صفحه ۳۰۷ باب ۱ حدیث ۳۳۰۵۳ و کافی جلد ۷ صفحه ۱۳۶ باب میراث الغرقى حدیث ۱ و من لایحضره الفقیه جلد ۴ صفحه ۳۰۶ باب میراث الغرقى حدیث ۵۶۵۶.

ابن محبوب از عبدالرحمن روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره قومی سؤال کردم که در کشتی غرق می شوند یا سقف اتاق بر ایشان فرود می آید پس می میرند و نمی توان دانست که کدام یک پیش از آن دیگری مرده است امام علیه السلام فرمود: ایشان از یک دیگر ارث می برند و این موضوع در کتاب علی علیه السلام نیز چنین است. (۱)

۳۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام يُضْرَبُ شَارِبُ الْخَمْرِ ثَمَانِينَ وَ شَارِبُ التَّبِيدِ ثَمَانِينَ. (۲)

یزید بن معاویه گفت شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: تحقیقا در کتاب علی علیه السلام نوشته کسی که شراب بنوشد هشتاد ضربه و کسی که شراب کشمش بخورد نیز هشتاد ضربه شلاق حد زده می شود.

۴۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ

۱- ترجمه من لایحضره الفقیه جلد ۶ صفحه ۲۰۷.

۲- کافی جلد ۷ صفحه ۲۱۴ باب ما یجب فیہ الحد فی الشراب حدیث ۴ و وسائل الشیعه جلد ۲۸ صفحه ۲۲۴ باب ۴ حدیث ۳۴۶۱۱ و تهذیب الاحکام جلد ۱۰ صفحه ۹۰ باب ۷ حدیث ۳۴۸-۵ و جامع الاحادیث جلد ۳۰ صفحه ۸۶۲ حدیث ۴۴۴-۴۶۶۹۲.

أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُضْرَبُ شَارِبُ الْخَمْرِ وَ شَارِبُ الْمُسْكِرِ قُلْتُ كَمْ قَالَ حَدُّهُمَا وَاحِدٌ. (۱)

عمر بن یزید گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: در کتاب علی علیه السلام است که شرابخوار و خورنده مست کننده زده می شود پرسیدم چقدر؟ حضرت فرمود: حد این دو یکی است. (۲)

۴۱- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ السَّارِقِ يَسْرِقُ فَتَقْطَعُ يَدُهُ ثُمَّ يَسْرِقُ فَتَقْطَعُ رِجْلُهُ ثُمَّ يَسْرِقُ هَلْ عَلَيْهِ قَطْعٌ فَقَالَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَضَى قَبْلَ أَنْ يَقْطَعَ أَكْثَرَ مِنْ يَدٍ وَ رِجْلٍ... (۳)

عبدالرحمن بن حجاج گوید: از امام صادق علیه السلام درباره سارق که سرقت کرده و دستش قطع شده سپس سرقت می کند و پایش قطع

۱- وسائل الشیعه جلد ۲۸ صفحه ۲۳۰ باب ۷ حدیث ۳۴۶۳۰ و کافی جلد ۷ صفحه ۲۱۶ حدیث ۱۱ و تهذیب الاحکام جلد ۱۰ صفحه ۹۰ باب ۷ حدیث ۲ و جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۰ صفحه ۸۶۷ حدیث ۱۴۱۳-۴۶۷۰۱.

۲- منابع فقه شیعه ترجمه جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۰ صفحه ۸۶۷.

۳- وسائل الشیعه جلد ۲۸ صفحه ۲۵۸ باب ۵ حدیث ۳۴۷۰۲ و تهذیب الاحکام جلد ۱۰ صفحه ۱۰۸ باب ۸ حدیث ۳۸ و جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۰ صفحه ۹۱۸ حدیث ۱۵۵۶-۴۶۸۰۴.

می شود پس از آن سرقت می کند، پرسیدم که آیا باز قطع دارد؟
حضرت فرمود: در کتاب امیرالمومنین علی علیه السلام است که پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله پیش از آن که بیش از یک دست و پا را قطع کند رحلت
کرد. (۱)

۴۲ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ
مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سَوْرَةَ بْنِ كُلَيْبٍ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا عَمْدًا وَ كَانَ
الْمُقْتُولُ أَقْطَعَ الْيَدِ الْيُمْنَى فَقَالَ إِنْ كَانَتْ يَدُهُ قُطِعَتْ فِي جَنَايَةِ جَنَاهَا
عَلَى نَفْسِهِ أَوْ كَانَ قُطِعَ فَأَخَذَ دِيَّةَ يَدِهِ مِنَ الَّذِي قَطَعَهَا فَإِنْ أَرَادَ أَوْلِيَاؤُهُ
أَنْ يَقْتُلُوا قَاتِلَهُ أَدُّوا إِلَى أَوْلِيَاءِ قَاتِلِهِ دِيَّةَ يَدِهِ الَّتِي قِيدَ مِنْهَا وَ إِنْ كَانَ
أَخَذَ دِيَّةَ يَدِهِ وَ يَقْتُلُوهُ وَ إِنْ شَاءُوا طَرَحُوا عَنْهُ دِيَّةَ يَدِهِ وَ أَخَذُوا الْبَاقِي
قَالَ وَ إِنْ كَانَتْ يَدُهُ قُطِعَتْ مِنْ غَيْرِ جَنَايَةِ جَنَاهَا عَلَى نَفْسِهِ وَ لَا أَخَذَ
بِهَا دِيَّةً قَتَلُوا قَاتِلَهُ وَ لَا يُغْرَمُ شَيْئاً وَ إِنْ شَاءُوا أَخَذُوا دِيَّةً كَامِلَةً قَالَ وَ
هَكَذَا وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام. (۲)

۱ - منابع فقه شیعه ترجمه جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۰ صفحه ۹۱۹.

۲ - کافی جلد ۷ صفحه ۳۱۶ حدیث ۱ و وسائل الشیعه جلد ۲۹ صفحه ۱۱۱ باب ۵۰
حدیث ۳۵۲۷۹ و عوالی اللالی جلد ۳ صفحه ۶۰۶ حدیث ۷۲ و تهذیب الاحکام
جلد ۱۰ صفحه ۲۷۷ باب ۲۴ حدیث ۹.

سورة بن کلب از ابو عبدالله امام صادق علیه السلام پرسید اگر جانی عمداً کسی را مقتول سازد که دست راست ندارد، تکلیف قصاص او چه خواهد بود؟ امام صادق علیه السلام فرمود: در صورتی که دست مقتول بر اثر جنایت قصاص شده باشد و یا این که جانی دیگری قبلاً دست او را بریده و خونبهای آن را پرداخت کرده باشد، اولیاء مقتول حق دارند که قاتل را به قصاص برسانند ولی خونبهای دست ناقص مقتول را به اولیاء قاتل تسلیم کنند و نیز حق دارند خونبهای مقتول را دریافت کنند و خونبهای دست ناقص او را کسر بگذارند و در صورتی که دست مقتول بر اثر جنایت قصاص نشده باشد و جانی دیگری دست او را بریده باشد که خونبهای آن را داده باشد، اولیاء مقتول حق دارند که قاتل را قصاص کنند و تاوانی بابت دست ناقص مقتول نپردازند و نیز حق دارند که خونبهای کامل دریافت کنند و قاتل را قصاص نکنند. امام صادق علیه السلام فرمود در طومار جدم حضرت علی علیه السلام چنین مرقوم است.^(۱)

۴۳ - مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ علیه السلام لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَطَعَ فَرْجَ امْرَأَتِهِ لَأَغْرَمَتْهُ لَهَا دَيْتُهَا

الْحَدِيثُ (۱)

عبدالرحمن بن سیابه گوید امام صادق علیه السلام فرمود: همانا در کتاب علی علیه السلام چنین است که اگر مردی فرج زوجه اش را از دو سو ببرد البته تاوان آن را برای زن برگردن او نهم، و چنانچه به او دیه را نپردازد با اجازه و مطالبه زن فرج او را به قصاص خواهیم برید. (۲)

۴۴ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ سَأَلَهُ بَعْضُ آلِ زُرَّارَةَ عَنْ رَجُلٍ قَطَعَ لِسَانَ رَجُلٍ أَخْرَسَ [قَالَ] فَقَالَ إِنْ كَانَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَ هُوَ أَخْرَسُ فَعَلَيْهِ ثُلُثُ الدِّيَةِ وَ إِنْ كَانَ لِسَانُهُ ذَهَبَ بِهِ وَ جَعَّ أَوْ آفَةٌ بَعْدَ مَا كَانَ يَتَكَلَّمُ فَإِنَّ عَلَى الَّذِي قَطَعَ لِسَانَهُ ثُلُثَ دِيَّةِ لِسَانِهِ قَالَ وَ كَذَلِكَ الْقَضَاءُ فِي الْعَيْنَيْنِ وَ الْجَوَارِحِ قَالَ هَكَذَا وَ جَدْنَاهُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام. (۳)

۱- وسائل الشیعه جلد ۲۹ صفحه ۳۴۰ باب ۳۶ حدیث ۳۵۷۳۴ و من لایحضره الفقیه جلد ۴ صفحه ۱۵۰ حدیث ۵۳۳۳ و تهذیب الاحکام جلد ۱۰ صفحه ۲۸۰ باب ۲۴ حدیث ۲۴ و مستدرک الوسائل جلد ۱۸ صفحه ۲۷۸ باب ۷ حدیث ۲۲۷۴۵ و استبصار جلد ۴ صفحه ۲۶۶ باب ۱۵۴ حدیث ۸ و جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۱ صفحه ۶۳۶ حدیث ۸۹۹-۴۸۱۳۹.

۲- ترجمه من لایحضره الفقیه جلد ۵ صفحه ۵۴۲.

۳- کافی جلد ۷ صفحه ۳۱۸ حدیث ۷ و وسائل الشیعه جلد ۲۹ صفحه ۳۳۶ باب ۳۱

ابوبصیر گوید: بعضی از خاندان زرارہ از امام باقر علیہ السلام درباره مردی پرسیدند کہ زبان مرد گنگی را قطع کردہ است. حضرت فرمود: اگر مادرش او را در حالی کہ گنگ بودہ زاییدہ است بر او یک سوم دیہ است و اگر زبانش پس از آن کہ سخن گفتہ دردی یا آفتی آن را از بین بردہ است، در این صورت بر کسی کہ زبان او را قطع کردہ یک سوم دیہ زبانش است حضرت فرمود: و ہم چنین است حکم در دو چشم و جوارح حضرت فرمود: این چنین ما در کتاب علی علیہ السلام آن از یافتہ ایم. (۱)

۴۵- مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیہ السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیہ السلام إِذَا صَلَّوْا الْجُمُعَةَ فِي وَقْتٍ فَصَلُّوْا مَعَهُمْ وَلَا تَقُومَنَّ مِنْ مَقْعَدِكَ حَتَّى تُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ أُخْرَيْنِ قُلْتُ فَأَكُونُ قَدْ صَلَّيْتُ أَرْبَعًا لِنَفْسِي لَمْ أَقْتَدِ بِهِ فَقَالَ نَعَمْ. (۲)

⇒ حدیث ۳۵۷۲۶ و عوالی اللالی جلد ۳ صفحہ ۶۳۰ حدیث ۵۵ و تہذیب الاحکام جلد ۱۰ صفحہ ۲۷۰ باب ۲۳ حدیث ۸ و جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۱ صفحہ ۵۸۹ حدیث ۸۲۰-۴۸۰۶۰.

۱- منابع فقہ شیعه ترجمہ جامع الاحادیث شیعه جلد ۳۱ صفحہ ۵۸۹.

۲- وسائل الشیعه جلد ۷ صفحہ ۳۴۹ باب ۲۹ حدیث ۹۵۴۷ و تہذیب الاحکام جلد ۳ صفحہ ۲۸ باب ۳ حدیث ۸.



همراه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که در حدیثی فرمود: در کتاب علی علیه السلام است هنگامی که نماز جمعه در وقتش خوانده می‌شود پس با آنها نماز بخوانید و از جایتان برنخیزید تا این که دو رکعت دیگر بخوانید گفتم پس چهار رکعت نماز برای خودم می‌خوانم و به او اقتدا نمی‌کنم فرمود بله.

«در کتاب علی علیه السلام»

خصوصیات انبیاء و داستانها آنها ذکر شده است»

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُقَاتِلِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام كَمْ كَانَ طُولُ آدَمَ علیه السلام حِينَ هَبَطَ بِهِ إِلَى الْأَرْضِ وَكَمْ كَانَ طُولُ حَوَاءَ قَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا أَهْبَطَ آدَمَ وَ زَوْجَتَهُ حَوَاءَ علیه السلام إِلَى الْأَرْضِ كَانَتْ رِجْلَاهُ بِشَيْئَةِ الصَّفَا وَ رَأْسُهُ دُونَ أَفْقِ السَّمَاءِ وَ أَنَّهُ شَكَا إِلَى اللَّهِ مَا يُصِيبُهُ مِنْ حَرِّ الشَّمْسِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى جِبْرِئِيلَ علیه السلام أَنَّ آدَمَ قَدْ شَكَا مَا يُصِيبُهُ مِنْ حَرِّ الشَّمْسِ فَاغْمِزْهُ غَمْزَةً وَ صَيِّرْ طَوْلَهُ سَبْعِينَ ذِرَاعاً بِذِرَاعِهِ وَ اغْمِزْ حَوَاءَ غَمْزَةً فَصَيِّرْ طَوْلَهَا خَمْسَةً وَ ثَلَاثِينَ ذِرَاعاً بِذِرَاعِهَا. (۱)

۱ - بحار الانوار جلد ۱۱ صفحه ۱۲۶ باب ۱ حدیث ۵۷ و کافی جلد ۸ صفحه ۲۳۳

حدیث ۳۰۸ و قصص الانبیاء للراوندی صفحه ۵۰ فصل ۴ حدیث ۳ و قصص

الانبیاء للجزائری صفحه ۳۰.

مقاتل بن سلیمان می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم طول قامت حضرت آدم و حوا هنگامی که بر زمین فرود آمدند چه مقدار بود؟ حضرت فرمودند: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که خداوند عز و جل هنگامی که آدم و حوا را بر زمین فرود آورد پاهای آدم بر خم کوه صفا و سرش در برابر افق آسمان بود آدم از گرمای خورشید شکوه نمود و خداوند طول قامت او را هفتاد ذراع و طول قامت حواء راسی و پنج ذراع گردانید.^(۱)

۲ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام أَنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ شَكََا إِلَى رَبِّهِ الْقَضَاءَ فَقَالَ كَيْفَ أَقْضِي بِمَا لَمْ تَرَ عَيْنِي وَ لَمْ تَسْمَعْ أُذُنِي فَقَالَ أَقْضِ بَيْنَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَضِفْهُمْ إِلَى اسْمِي يَحْلِفُونَ بِهِ وَ قَالَ إِنَّ دَاوُدَ عليه السلام قَالَ يَا رَبِّ أَرِنِي الْحَقَّ كَمَا هُوَ عِنْدَكَ حَتَّى أَقْضِيَ بِهِ فَقَالَ إِنَّكَ لَا تُطِيقُ ذَلِكَ فَالْحَ عَلَى رَبِّهِ حَتَّى فَعَلَ فَجَاءَهُ رَجُلٌ يَسْتَعْدِي عَلَى رَجُلٍ فَقَالَ إِنَّ هَذَا أَخَذَ مَالِي فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام أَنْ هَذَا الْمُسْتَعْدِي قَتَلَ أَبَا هَذَا وَ أَخَذَ مَالَهُ فَأَمَرَ دَاوُدَ عليه السلام بِالْمُسْتَعْدِي فَقَتَلَ وَ أَخَذَ مَالَهُ فَدَفَعَهُ إِلَى الْمُسْتَعْدَى عَلَيْهِ قَالَ فَعَجَبَ النَّاسُ وَ تَحَدَّثُوا حَتَّى

بَلَغَ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ دَخَلَ عَلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ مَا كَرِهَ فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ يُرْفَعَ ذَلِكَ
فَفَعَلَ ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَضْفُهُمْ
إِلَى اسْمِي يَخْلِفُونَ بِهِ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام است که یکی از
پیامبران از قضاوت به خداوند شکوه کرد و گفت چگونه درباره
چیزی که چشمم ندیده و گوشم نشنیده قضاوت و دادرسی کنم؟
خداوند فرمود: میان مردمان با دو شاهد عادل قضاوت کن و آنان را
به اسم حق سوگند بده و حضرت فرمود: داوود علیه السلام گفت: پروردگارا
حق را آن گونه که نزد توست به من نشان بده تا طبق آن حکم کنم.
خداوند فرمود: تو توان آن را نداری. داوود علیه السلام نزد خدا پافشاری
کرد خداوند عز و جل به داوود علیه السلام وحی کرد که این شاکی پدر این
فرد را کشته و مالش را گرفته است داوود علیه السلام دستور داد تا شاکی
کشته و مالش گرفته شود و آن را به کسی داد که از او شکایت کرده
بود.

حضرت فرمود: مردم شگفت زده شدند و با هم گفتگو کردند تا

۱- بحار الانوار جلد ۱۴ صفحه ۱۰ باب ۱ حدیث ۱۹ و کافی جلد ۷ صفحه ۴۱۴ باب
ان القضاء بالبینات حدیث ۳ و تهذیب الاحکام جلد ۶ صفحه ۲۲۸ باب ۸۹ حدیث
۲ و وسائل الشیعه جلد ۲۷ صفحه ۲۲۱ باب ۱ حدیث ۳۳۶۵۸ و جامع الاحادیث
شیعه جلد ۳۰ صفحه ۱۴۹ حدیث شماره ۱۱۹-۴۵۳۶۵.

آن که به حضرت داوود علیه السلام رسید و از این جهت ناراحت شد، لذا از خدا خواست تا این حالت را از او بردارد، خداوند هم چنین کرد. سپس خداوند عز و جل به داوود علیه السلام وحی کرد که در میان مردم با بیّنه‌ها حکم کن و آنان را با نام من همراه کن که بدان سوگند بخورند.^(۱)

«در کتاب علی علیه السلام قضایای اقوام گذشته آمده است»

۱ - حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ قَوْمًا مِنْ أَهْلِ أُبُلَّةَ مِنْ قَوْمِ ثُمُودَ وَأَنَّ الْحِيتَانَ كَانَتْ سَبَقَتْ إِلَيْهِمْ يَوْمَ السَّبْتِ لِيُخْتَبِرَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ فِي ذَلِكَ فَشَرَعَتْ إِلَيْهِمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ فِي نَادِيهِمْ وَ قُدَّامَ أَبْوَابِهِمْ فِي أَنْهَارِهِمْ وَ سَوَاقِيهِمْ فَبَادَرُوا إِلَيْهَا فَأَخَذُوا يَصْطَادُونَهَا وَ لَبِثُوا فِي ذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يَنْهَاهُمْ عَنْهَا الْأَحْبَارُ وَ لَا يَمْنَعُهُمُ الْعُلَمَاءُ مِنْ صَيْدِهَا ثُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ أَوْحَى إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ إِنَّمَا نُهَيْتُمْ عَنْ أَكْلِهَا يَوْمَ السَّبْتِ وَ لَمْ تُنْهَوْا عَنْ صَيْدِهَا فَاصْطَادُوا يَوْمَ السَّبْتِ وَ كُلُّوْهَا فِيمَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ الْأَيَّامِ فَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ الْآنَ نَصْطَادُهَا فَعَتَتْ وَ انْحَازَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى مِنْهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ فَقَالُوا نَنْهَاهُمْ عَنْ عُقُوبَةِ اللَّهِ أَنْ تَتَعَرَّضُوا بِخِلَافِ أَمْرِهِ وَ اعْتَزَلْتُ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ ذَاتَ الْيَسَارِ فَتَنَكَّبَتْ [فَسَكَتَتْ] فَلَمْ تَعْظُمُهُمْ فَقَالَتْ لِلطَّائِفَةِ الَّتِي وَعَظَّتْهُمْ لَمْ تَعْظُونِ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَقَالَتْ الطَّائِفَةُ الَّتِي وَعَظَّتْهُمْ مَعْدِرَةٌ إِلَى رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ قَالَ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَمَّا

نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ يَعْنِي لَمَّا تَرَكُوا مَا وَعُظُوا بِهِ وَ مَضُوا عَلَى الْخَطِيئَةِ فَقَالَتِ الطَّاغُتُ الْثَلَاثُ وَعَظَّتْهُمْ لَا وَاللَّهِ لَا نَجَامِعُكُمْ وَلَا نُبَايِعُكُمْ اللَّيْلَةَ فِي مَدِينَتِكُمْ هَذِهِ الَّتِي عَصَيْتُمْ اللَّهَ فِيهَا مَخَافَةَ أَنْ يَنْزِلَ بِكُمْ الْبَلَاءُ فَيَعْمُنَا مَعَكُمْ قَالَ فَخَرَجُوا عَنْهُمْ مِنَ الْمَدِينَةِ مَخَافَةَ أَنْ يُصِيبَهُمُ الْبَلَاءُ فَنَزَلُوا قَرِيبًا مِنَ الْمَدِينَةِ فَبَاتُوا تَحْتَ السَّمَاءِ فَلَمَّا أَصْبَحَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الْمُطِيعُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ غَدَوْا لِيَنْظُرُوا مَا حَالُ أَهْلِ الْمَعْصِيَةِ فَأَتَوْا بَابَ الْمَدِينَةِ فَإِذَا هُوَ مُمْصَتٌ فَدَقُّوه فَلَمْ يَجَابُوا وَلَمْ يَسْمَعُوا مِنْهَا حَسَّ أَحَدٌ فَوَضَعُوا سُلَّمًا عَلَى سُورِ الْمَدِينَةِ ثُمَّ أَصْعَدُوا رَجُلًا مِنْهُمْ فَأَشْرَفَ عَلَى الْمَدِينَةِ فَنَظَرَ فَإِذَا هُوَ بِالْقَوْمِ قِرْدَةً يَتَعَاوَنَ فَقَالَ الرَّجُلُ لِأَصْحَابِهِ يَا قَوْمِ أَرَى وَاللَّهِ عَجَبًا قَالُوا وَمَا تَرَى قَالَ أَرَى الْقَوْمَ قَدْ صَارُوا قِرْدَةً يَتَعَاوَنَ لَهَا أَذْنَابٌ فَكَسَرُوا الْبَابَ قَالَ فَعَرَفَتِ الْقِرْدَةُ أَنْسَابَهَا مِنَ الْإِنْسِ وَلَمْ تَعْرِفِ الْإِنْسُ أَنْسَابَهَا مِنَ الْقِرْدَةِ فَقَالَ الْقَوْمُ لِلْقِرْدَةِ أَلَمْ نَنْهَكُمْ فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاللَّهِ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ إِنِّي لَأَعْرِفُ أَنْسَابَهَا [أَشْبَاهَهَا] مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَا يُنْكِرُونَ وَلَا يُغَيِّرُونَ [يَقْرُونَ] [يَقْرُونَ] بَلْ تَرَكُوا مَا أُمِرُوا بِهِ فَتَفَرَّقُوا وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ فَقَالَ اللَّهُ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ. (١)

١ - بحار الانوار جلد ١٤ صفحه ٥٢ باب ٤ حديث ٥ و تفسير قمي جلد ١ صفحه ٢٤٤

و سعد السعود سيد بن طاووس صفحه ١١٨.

ابو عبیده از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمودند: در کتاب علی علیه السلام دیدم قومی از اهل ابله که از قوم ثمود بودند و برای آنها در روزهای شنبه ماهیان سرازیر می‌شدند تا خدای تعالی اطاعت آنها را در این مسئله بداند پس به آنها حکم شد که در روزهای شنبه از گرفتن ماهی خودداری کنند و آنها در رودهایشان آبراههایی ساختند و ماهی صید کردند و در کاری که خدا نمی‌خواست مداومت کردند و مبلغان و علمایشان آنها را از صید ماهی نهی نکردند و شیطان به گروهی از آنها وحی کرد که شما از خوردن ماهی در روز شنبه نهی شده‌اید نه از صید ماهی پس در روز شنبه ماهی صید کنید و در روزهای دیگر بخورید پس گروهی از آنها گفتند ما در روز شنبه صید می‌کنیم و گردنکشی و تجاوز کردند.

گروهی دیگر از آنها در سمت راست جمع شدند و گفتند ما آنها را از عقوبت خدا نهی کردیم که خلاف دستور خدا را انجام دهند و گروهی دیگر از سمت چپ که ساکت بودند و آنها را موعظه نمی‌کردند به آن گروهی که آنها را موعظه می‌کردند گفتند چرا قومی را نصیحت می‌کنید که خدا آنها را هلاک یا عذاب شدیدی می‌کند؟ آن گروه نصیحت کننده در جواب گفتند برای اتمام حجت و عذر در پیشگاه پروردگار شما و شاید هم آنها تقوی پیشه کنند. امام علیه السلام فرمود این که خدای تعالی می‌فرماید: «اما وقتی تذکراتی که به آنها

داده شده بود فراموش کردند» یعنی وقتی آنچه را که به آن نصیحت شده بودند ترک کردند و برگناهشان اصرار ورزیدند - گروه نصیحت کنند گفتند نه بخدا قسم ما با شما نمی مانیم و امشب را با شما در این شهرتان که خدا را در آن معصیت کردید سر نمی کنیم چرا که می ترسیم بر شما بلا نازل شود و این بلا شامل حال ما هم همراه با شما بشود. فرمود از شهر از ترس رسیدن بلا به آنها خارج شدند و نزدیک شهر مستقر شدند و شب را زیر آسمان گذرانند اولیاء خدایی که مطیع امر پروردگارشان بودند شب را به صبح رساندند تا ببینند حال افراد معصیت کار چگونه است. پس به درب شهر رفتند یک دفعه دیدند آنجا ساکت است و در زدند جواب نیامد و از آنها حرکتی نشنیدند پس وسیله ای را بر دیوار بلند شهر قرار دادند و مردی از خودشان را بالا فرستادند و آن مرد مشرف به شهر شد و نگاه کرد یک دفعه بجای قوم بوزینه هایی را که صدا می کردند دید. آن مرد به یارانش گفت ای قوم به خدا قسم من چیز عجیبی را می بینم یارانش گفتند چه چیز می بینی؟ گفت قوم را می بینم که بصورت بوزینه هایی که صدا می کنند و دم دارند درآمده اند پس یارانش در را شکستند امام علیه السلام فرمود بوزینه ها آنها را شناختند در حالی که آنها بوزینه ها را نمی شناختند قوم به بوزینه گفتند آیا ما شما را نهی نکردیم پس حضرت علی علیه السلام فرمود قسم به خدایی که دانه را گشود



و انسان را خلق کرد قطعا من نسب‌هایشان از این امت را می‌شناسم
 آنها منکر نمی‌شوند و تغییر نمی‌دهند بلکه فقط آنچه را که به آن امر
 شده بودند ترک کردند و متفرق شدند و به درستی که خدای تعالی
 فرموده پس برای قوم ستمگر دوری و پستی باد و باز خدای تعالی
 فرموده آنهایی که مردم را از بدی نهی می‌کردند رهایی بخشیدیم و
 کسانی که ستم کردند به خاطر نافرمانیشان به عذاب دردناکی
 گرفتارشان نمودیم.

۲ - السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ طَاوُسٍ فِي كِتَابِ سَعْدِ الشُّعُودِ، رَأَيْتُ فِي
 تَفْسِيرِ أَبِي الْعَبَّاسِ بْنِ عُقْدَةَ أَنَّهُ رَوَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو
 بْنِ عُثْمَانَ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ
 عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام وَ ذَكَرَ قِصَّةَ أَصْحَابِ
 السَّبْتِ وَ أَنَّ فِرْقَةً مِنْهُمْ بَاشَرُوا الْمُنْكَرَ وَ فِرْقَةً أَنْكَرُوا عَلَيْهِمْ. ^(۱)

ابو عبیده می‌گوید حضرت باقر عليه السلام فرمود در کتاب علی عليه السلام
 قصه اصحاب سبت ذکر شده آنها گروهی بودند که عمل منکر انجام
 می‌دادند و گروهی از آنها با آنان مخالفت می‌کردند.

۱ - مستدرک الوسائل جلد ۱۲ صفحه ۱۹۲ باب ۳ حدیث ۱۳۸۵۴.

«در کتاب علی علیه السلام نام خلفاء و ملوک این امت آمده است»

۱ - [بصائر الدرجات] مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ وَ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عُبَيْسَةَ عَنْ ابْنِ خُنَيْسٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذْ أَقْبَلَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ ذَهَبَ وَ رَقَّ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ دَمَعَتْ عَيْنُهُ فَقُلْتُ لَهُ لَقَدْ رَأَيْتَكَ صَنَعْتَ بِهِ مَا لَمْ تَكُنْ تَصْنَعُ قَالَ رَقَقْتُ لَهُ لِأَنَّهُ يُنْسَبُ فِي أَمْرِ لَيْسَ لَهُ لَمْ أَجِدْهُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ مِنْ خُلَفَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ لَا مُلُوكِهَا. ^(۱)

عنبيه بن خنيس گفت: خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم که محمد بن عبدالله بن حسن وارد شد سلام کرد و رفت امام صادق علیه السلام دلش بحال او سوخت و گریه کرد عرض کردم کاری نسبت به او نمودید که سابقه نداشت فرمود دلم بحالش سوخت در پی کاری است که مربوط به او نیست در کتاب علی علیه السلام اسم او را

۱ - بصائر الدرجات صفحه ۱۶۸ باب ۲ حدیث ۱ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۱۵۵
باب ۱۰ حدیث ۱ و کافی جلد ۸ صفحه ۳۹۵ حدیث ۵۹۴.

جزء خلفای این امت نیافتم و نه جزء پادشاهان. (۱)

۲ - قَالَ أَبُو الْفَرَجِ وَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْعَبَّاسِ الْمُقَانِعِيُّ عَنْ بَكَّارِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ حَسَنِ بْنِ حُسَيْنٍ عَنْ عُنْبَسَةَ بْنِ بَجَادٍ الْعَابِدِ قَالَ كَانَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام إِذَا رَأَى مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ تَغَرَّغَتْ عَيْنَاهُ ثُمَّ يَقُولُ بِنَفْسِي هُوَ إِنَّ النَّاسَ لَيَقُولُونَ فِيهِ وَ إِنَّهُ قَتُولُ لَيْسَ هُوَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ مِنْ خُلَفَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ. (۲)

علی بن عباس (به سند خود) از عنبسه بن نجاد روایت کرده که هرگاه جعفر بن محمد علیه السلام محمد بن عبدالله بن حسن را می دید چشمان مبارکش پر از اشک می شد و می فرمود: جانم بقربانش همان مردم درباره او حرفهایی می زنند (یعنی می گویند او مهدی موعود است) ولی او کشته خواهد شد و در کتاب علی علیه السلام نام او در میان خلیفه های این امت نیست. (۳)

۱ - ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۱۱۱.

۲ - بحار الانوار جلد ۴۷ صفحه ۲۷۸ باب ۹ و جلد ۴۶ صفحه ۱۸۹ باب ۱۱ حدیث ۱۱ و کشف الغمه جلد ۲ صفحه ۱۷۳ و ارشاد جلد ۲ صفحه ۱۹۳ و اعلام الوری صفحه ۲۷۹ فصل ۳.

۳ - ترجمه ارشاد مفید جلد ۲ صفحه ۱۸۷.

«در کتاب علی علیه السلام»

خصوصیات شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام آمده است»

۱ - کشف، [کشف الغمة] مِنْ كِتَابِ الدَّلَائِلِ لِلْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ذَاتَ يَوْمٍ جَالِسًا إِذْ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ هَلْ تَعْرِفُ إِمَامَكَ قُلْتُ إِي وَ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ أَنْتَ هُوَ وَ وَضَعْتُ يَدِي عَلَى رُكْبَتِهِ أَوْ فَخِذِهِ فَقَالَ عليه السلام صَدَقْتَ قَدْ عَرَفْتَ فَاسْتَمْسِكْ بِهِ قُلْتُ أُرِيدُ أَنْ تُعْطِيَنِي عَلَامَةَ الْإِمَامِ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَيْسَ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ عَلَامَةٌ قُلْتُ أَرَدَاؤُ إِيْمَانًا وَ يَقِينًا قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ تَرْجِعُ إِلَى الْكُوفَةِ وَ قَدْ وُلِدَ لَكَ عِيسَى وَ مِنْ بَعْدِ عِيسَى مُحَمَّدٌ وَ مِنْ بَعْدِهِمَا ابْنَتَانِ وَ اعْلَمْ أَنَّ ابْنَيْكَ مَكْتُوبَانِ عِنْدَنَا فِي الصَّحِيفَةِ الْجَامِعَةِ مَعَ أَسْمَاءِ شِيعَتِنَا وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ وَ أَجْدَادِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ وَ مَا يَلْدُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَخْرَجَهَا فَإِذَا هِيَ صَفْرَاءُ مُدْرَجَةٌ.^(۱)

۱ - بحار الانوار جلد ۴۷ صفحه ۱۴۳ باب ۵ حدیث ۱۹۵ و کشف الغمه جلد ۲ صفحه

۱۹۰ و دلائل الامامه صفحه ۱۲۱.



ابوبصیر گوید که یک روزی در خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم ناگاه گفت یا ابامحمد آیا می شناسی امام خود را؟ گفتم بلی واللّٰه الذی لا اله الا هو که آن تویی و دست خود را بر ران مبارک نهادم او فرمود که راست گفתי چون شناختی چنگ در او زن گفتم که می خواهم که اعطا کنی به من علامت امامت، فرمود که یا ابا محمد بعد از معرفت علامت امامت از برای چیست؟ گفتم تا ایمان و یقین من زیاده شود فرمود که یا ابا محمد چون باز می گردی به کوفه مولدی برای تو متولد شده نام او عیسی و بعد از عیسی محمد و بعد از ایشان دو دختر خواهد شد، و بدان که نوشته است نام پسران تو نزد ما در صحیفه جامعه با نام های شیعیان ما و نام های پدران و مادران و اجداد و انساب ایشان و آنچه از ایشان متولد شوند تا روز قیامت و آن صحیفه را بیرون آورد آن صحیفه زرد بود و جمیع این اسماء در آن درج بود.^(۱)

«در کتاب علی علیه السلام شرح و تفسیر و تأویل آیات قرآن است»

۱ - [کمال الدین] الْمُظَفَّرُ الْعَلَوِيُّ عَنْ ابْنِ مَسْرُورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَصْرِ عَنْ الْخَشَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ بُهْلُولٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ قُرَّةَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عِيَّاشٍ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ الْهَلَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيًّا عليه السلام يَقُولُ مَا نَزَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأْنِيهَا وَأَمْلَاهَا عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَا بِخَطِّي وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا وَنَاسِخَهَا وَمَنْسُوخَهَا وَمُحْكَمَهَا وَمُتَشَابِهَهَا وَدَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُعَلِّمَنِي فَهَمَّاهَا وَحِفْظَهَا فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا عَلِمْتُ أَمْلَاهُ عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَ وَمَا تَرَكَ شَيْئًا عَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ حَلَالٍ وَلَا حَرَامٍ وَلَا أَمْرٍ وَلَا نَهْيٍ وَمَا كَانَ أَوْ يَكُونُ مِنْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا عَلَّمَنِيهِ. ^(۱)

سليم بن قيس هلالی می گوید از حضرت علی علیه السلام شنیدم که می فرمود: آیه ای از قرآن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل نشد مگر آن که آن را

برایم خواند و من برایش خواندم و آن را بر من املا کرد و من همه را به خط خود نوشتم تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آن را به من آموخت و حفظ کردم و از خدا خواست که آن را به من بفهماند و در حفظ من قرار دهد. آیه‌ای از کتاب خدا را از روزی که حفظ کرده‌ام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأویل آن را به من آموخت و من آن را حفظ کردم و حتی یک حرف از آن را فراموش نکردم.

آن حضرت هر چه از حلال و حرام یا امر و نهی یا اطاعت و معصیت که بود یا تا روز قیامت خواهد شد را ترک نکرد و همه را به من یاد داد و آن را حفظ کردم و یک حرف از آن را هم فراموش نکردم.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست بر سینه‌ام گذاشت و به درگاه خداوند دعا کرد که قلبم را از علم و فقه و فهم و حکمت و نور سرشار نماید. و مرا طوری علم بیاموزد که جهل به من راه نیابد و طوری مطالب را حفظ کنم که هیچ گاه فراموش نکنم.^(۱)

۲ - فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ ع يَا طَلْحَةُ إِنَّ كُلَّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ جَلَّ وَ عَلَا عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عِنْدِي بِإِمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ خَطَّ يَدِي وَ تَأْوِيلَ كُلِّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ كُلِّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ

أَوْ حَدٍّ أَوْ حُكْمٍ أَوْ شَيْءٍ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بِأَمْلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ خَطَّ يَدِي حَتَّى أَرَشَ الْخَدَشَ... (۱)

از کتاب سلیم بن قیس در حدیثی طولانی نقل می‌کند که امیرالمومنین علی علیه السلام به طلحه فرمود: هر آیه که خداوند بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل نمود باملاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط خودم در نزد من هست و تأویل هر آیه‌ای که بر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و هر حلال و حرامی یا حد و یا حکمی که مورد احتیاج امت باشد تا روز قیامت نوشته آن نزد من است باملاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط خودم حتی جریمه خدشه. (۲)

۱ - بحار الانوار جلد ۸۹ صفحه ۴۱ باب ۶ حدیث ۱ و احتیاج جلد ۱ صفحه ۱۵۳ و کتاب سلیم صفحه ۶۵۷ حدیث ۱۱.
۲ - ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۴۹.

«ائمه اطهار علیهم السلام»

تابع کتاب علی علیه السلام هستند و از آن تخطی نمی کنند»

۱- [بصائر الدرجات] مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ قَاسِمِ بْنِ بُرَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحَدِهِمَا علیه السلام قَالَ إِنَّ عِنْدَنَا صَحِيفَةً مِنْ كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام أَوْ مُصْحَفِ عَلِيٍّ علیه السلام طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً فَنَحْنُ نَتَّبِعُ مَا فِيهَا فَلَا نَعْدُوهَا. (۱)

از حضرت باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: در نزد ما نوشته ای از کتاب علی علیه السلام (یا فرمود مصحف) حضرت علی علیه السلام است بطول هفتاد ذراع ما از آن پیروی می کنیم هرگز مخالف آن رفتار نخواهیم کرد. (۲)

۱- بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۳۳ حدیث ۵۰ و بصائر الدرجات صفحه ۱۴۶ باب ۱۲ حدیث ۲۰.

۲- ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۲۹.

« کتاب علی علیه السلام نزد امام هر زمانی موجود است »

۱ - [معانی الأخبار]، [الخصال]، [عیون أخبار الرضا علیه السلام]

الطَّائِفَانِي عَنْ أَحْمَدَ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ
عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا علیه السلام قَالَ لِلإِمَامِ عَلَمَاتٌ يَكُونُ
أَعْلَمُ النَّاسِ وَأَحْكَمُ النَّاسِ وَأَتْقَى النَّاسِ وَأَحْلَمُ النَّاسِ وَأَشْجَعُ النَّاسِ
وَأَسْخَى النَّاسِ وَأَعْبَدَ النَّاسِ وَيَلِدُ [يُولِدُ] مَخْتُونًا وَيَكُونُ مُطَهَّرًا وَ
يَرَى مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَى مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ وَإِذَا وَقَعَ إِلَى
الْأَرْضِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَقَعَ عَلَى رَاحَتَيْهِ رَافِعًا صَوْتَهُ بِالشَّهَادَتَيْنِ وَلَا
يَحْتَلِمُ وَتَنَامُ عَيْنُهُ وَلَا يَنَامُ قَلْبُهُ وَيَكُونُ مُحَدَّثًا وَيَسْتَوِي عَلَيْهِ دِرْعُ
رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَلَا يُرَى لَهُ بَوْلٌ وَلَا غَائِطٌ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ وَكَّلَ
الْأَرْضَ بِابْتِلَاعِ مَا يَخْرُجُ مِنْهُ وَتَكُونُ رَاحَتُهُ أَطْيَبَ مِنْ رَاحَةِ الْمِسْكِ
وَيَكُونُ أَوْلَى بِالنَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَ
أُمَّهَاتِهِمْ وَيَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضُعًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَيَكُونُ آخِذَ النَّاسِ



بِمَا يَأْمُرُ بِهِ وَ أَكْفَ النَّاسِ عَمَّا يَنْهَى عَنْهُ وَ يَكُونُ دُعَاؤُهُ مُسْتَجَاباً حَتَّى
إِنَّهُ لَوْ دَعَا عَلَى صَخْرَةٍ لَانْشَقَّتْ بِنُصْفَيْنِ وَ يَكُونُ عِنْدَهُ سِلَاحُ رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ وَ سَيْفُهُ ذُو الْفَقَارِ وَ تَكُونُ عِنْدَهُ صَحِيفَةٌ فِيهَا أَسْمَاءُ شِيعَتِهِمْ
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ صَحِيفَةٌ فِيهَا أَسْمَاءُ أَعْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ تَكُونُ
عِنْدَهُ الْجَامِعَةُ وَ هِيَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعاً فِيهَا جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ
إِلَيْهِ وَلَدُ آدَمَ وَ يَكُونُ عِنْدَهُ الْجَفْرُ الْأَكْبَرُ وَ الْأَصْفَرُ إِهَابٌ مَاعِزٌ وَ إِهَابٌ
كَبْشٌ فِيهِمَا جَمِيعُ الْعُلُومِ حَتَّى أَرْضُ الْخَدَشِ وَ حَتَّى الْجِلْدَةُ وَ نِصْفُ
الْجِلْدَةِ وَ ثُلُثُ الْجِلْدَةِ. (۱)

احمد بن محمد بن سعيد ابن عقده كوفی در روایت خود گفت:
علی بن حسن بن فضال از پدرش از امام ابوالحسن علی بن موسی
الرضا علیه السلام برای ما حکایت کرد که آن امام علیه السلام فرمود: برای امام
علامتهایی است و آن علامات عبارت از این است که او
دانشمندترین مردم، و حکیم‌ترین مردم و پرهیزگارترین مردم و
حلیم‌ترین مردم و شجاعترین مردم و سخی‌ترین مردم و عابدترین
مردم است و او ختنه کرده متولد می‌شود و پاک و پاکیزه می‌باشد و از

۱- من لایحضره الفقیه جلد ۴ صفحه ۴۱۸ حدیث ۵۹۱۴ و بحار الانوار جلد ۲۵
صفحه ۱۲۶ باب ۴ حدیث ۱ و احتجاج جلد ۲ صفحه ۴۳۶ و خصال جلد ۲ صفحه
۵۲۷ حدیث ۱ و عیون اخبار الرضا علیه السلام جلد ۱ صفحه ۲۱۲ باب ۱۹ حدیث ۱ و
معانی الاخبار صفحه ۱۰۲ و المناقب جلد ۱ صفحه ۲۵۳.

پشت سرش بمانند پیش رویش می بیند و او سایه ندارد و چون از شکم مادرش بر زمین قرار گیرد بر روی دو کف دستش قرار می گیرد در حالی که صدایش را به اداء شهادتین بلند می کند. و او محتمل نمی شود و چشمش بخواب می رود ولی دلش بخواب نمی رود و او محدث است (یعنی از غیب با او سخن می گویند) و زره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بقامتش می برازد و هیچ گاه بول یا غائطی از او دیده نمی شود زیرا خداوند عز و جل زمین را ببلعیدن آنچه از او خارج شود مکلف ساخته است. (یعنی در محلی که در معرض دید دیگران است به استنجا نمی نشیند بلکه در جایی که چاهک و کنیف دارد تخلی می کند و از دید دیگران مدفوعش پنهان می شود برخلاف غالب مردم عرب آن زمان که در پس دیوار روی زمین و محل دید دیگران قضاء حاجت می کردند) و بوی او از بوی مشک خوشتر است و او نسبت به مردم از خودشان اولی و احق است و از پدران و مادرانشان درباره ایشان مهربانتر و دلسوزتر است و او در برابر خدای تعالی از همگی مردم متواضع تر است و آن چه را که بگوید خود عامل تر است و از منهیات خود خویشتن دارتر است و دعایش مستجابست حتی این که اگر بر صخره ای دعا کند هر آینه به دو نیم می شود و سلاح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و شمشیر آن حضرت ذوالفقار نزد او است و صحیفه ای دیگر که نام دشمنانش تا روز قیامت در آن



مکتوب و محفوظست و «جامعه» که صحیفه‌ای به طول هفتاد ذراع و مشتمل بر همه نیازمندی‌های اولاد آدم است و هم چنین جفر اکبر و جفر اصغر که پوست بز و پوست قوچی است و همگی علوم حتی ارش خراش و حتی زدن یک یا نیم یا ثلث تازیانه در آن ثبت شده و هم چنین مصحف فاطمه زهرا علیها السلام نزد او است.^(۱)

۱ - ترجمه من لایحضره الفقیه جلد ۶ صفحه ۳۷۷.

« کتاب علی علیه السلام را بعضی از اصحاب دیده‌اند »

۱ - عدة من اصحابنا عن الحسن بن محبوب عن علي بن رباب عن أبي بصير قال سألت أبا عبد الله عليه السلام عن شيء من الفرائض فقال لي أ لا أخرج لك كتاب علي عليه السلام فقلت كتاب علي عليه السلام لم يدرس فقال يا أبا محمد إن كتاب علي عليه السلام لا يدرس فأخرجه فإذا كتاب جليل... (۱)

ابوبصیر می‌گوید از امام صادق علیه السلام از یکی از فرائض سؤال کردم پس به من فرمود صبر کن تا برای تو کتاب علی علیه السلام را بیاورم پس گفتم کتاب علی علیه السلام کهنه نمی‌شود؟ فرمود ای ابامحمد تحقیقا کتاب علی علیه السلام کهنه نمی‌شود پس آن را آورد کتاب جلیلی بود و در آن بود وقتی مردی بمیرد و عمو و دایی از او بماند برای عمو دو ثلث و برای دایی یک ثلث ارث هست.

۱ - تهذیب الاحکام جلد ۹ صفحه ۳۲۴ باب ۳۰ و وسائل الشیعه جلد ۲۶ صفحه ۱۸۶
باب ۲ و کافی جلد ۷ صفحه ۱۱۹ باب میراث ذوی الارحام.

۲- أخبرنا محمد بن جعفر قال أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد عن محمد بن أحمد بن الحسن عن عباد بن ثابت عن أبي مريم عبد الغفار بن القاسم عن عذافر الصيرفي قال كنت مع الحكم بن عتيبة عند أبي جعفر عليه السلام فجعل يسأله وكان أبو جعفر [عليه السلام] له مكرما فاختلفا في شيء فقال أبو جعفر [عليه السلام] يا بني قم فأخرج كتاب علي فأخرج كتابا مدروجا عظيما وفتح (ففتح) و جعل ينظر حتى أخرج المسألة، فقال أبو جعفر [عليه السلام] هذا خط علي عليه السلام وإملاء رسول الله صلى الله عليه وآله، وأقبل على الحكم وقال يا [أ] با محمد اذهب أنت و سلمة و أبو المقدام حيث شئتم يمينا و شمالا فوالله لا تجدون العلم أوثق منه عند قوم كان ينزل عليهم جبرئيل عليه السلام.^(۱)

عذافر صيرفی می گوید با حکم بن عتیبه نزد امام صادق علیه السلام بودیم پس او سؤال می کرد و امام صادق علیه السلام او را گرامی می داشت پس در خصوص مسئله ای با هم اختلاف پیدا کردند آن گاه امام صادق علیه السلام به فرزندش فرمود: ای پسر بلند شو و کتاب علی علیه السلام را بیاور وقتی آن را آورد کتاب بزرگی بود که در آن مطالبی درج شده بود و آن را گشود و در آن نگاه کرد تا مسئله را در آن یافت آن گاه امام

صادق علیه السلام فرمود این خط علی علیه السلام و املاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و حکم را نشان دادند و فرمودند ای ابا محمد تو و سلمه و ابو مقدم بروید در غرب و شرق بگردید پس به خدا قسم علمی موثق تر از آن در نزد قومی که بر آنها جبرئیل نازل شده باشد پیدا نمی کنید.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ جَمِيعاً عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْجَدِّ فَقَالَ مَا أَحَدٌ قَالَ فِيهِ إِلَّا بِرَأْيِهِ إِلَّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ فَمَا قَالَ فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فَقَالَ إِذَا كَانَ غَدًا فَالْقَنِي حَتَّى أَقْرِيكَهُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ علیه السلام قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ حَدَّثَنِي فَإِنَّ حَدِيثَكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تُقَرِّئَنِيهِ فِي كِتَابٍ فَقَالَ لِي الثَّالِثَةُ اسْمِعْ مَا أَقُولُ لَكَ إِذَا كَانَ غَدًا فَالْقَنِي حَتَّى أَقْرِيكَهُ فِي كِتَابٍ فَاتَيْتُهُ مِنَ الْغَدِ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ كَانَتْ سَاعَتِي الَّتِي كُنْتُ أَخْلُو بِهِ فِيهَا بَيْنَ الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ وَ كُنْتُ أَكْرَهُ أَنْ أَسْأَلَهُ إِلَّا خَالِيًا خَشِيَةً أَنْ يُفْتِنَنِي مِنْ أَجْلِ مَنْ يَحْضُرُنِي بِالتَّقِيَّةِ فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَيْهِ أَقْبَلَ عَلَيَّ ابْنِهِ جَعْفَرٍ فَقَالَ أَقْرِئْ زُرَّارَةَ صَحِيفَةَ الْفَرَايضِ ثُمَّ قَامَ لِنِيَامٍ فَبَقِيتُ أَنَا وَ جَعْفَرُ فِي الْبَيْتِ فَقَامَ وَ أَخْرَجَ إِلَيَّ صَحِيفَةً مِثْلَ فَخِذِ الْبَعِيرِ فَقَالَ لَسْتُ أَقْرِئُكَهَا حَتَّى تَجْعَلَ أَنْ لَا تُحَدِّثَ بِمَا تَقْرَأُ فِيهَا أَحَدًا أَبَدًا حَتَّى آذَنَ لَكَ وَ لَمْ يَقُلْ حَتَّى يَأْذَنَ لَكَ أَبِي فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَ لَمْ تُضَيِّقْ عَلَيَّ وَ لَمْ يَأْمُرْكَ أَبُوكَ بِذَلِكَ فَقَالَ مَا أَنْتَ بِنَازِلٍ فِيهَا إِلَّا عَلَيَّ مَا قُلْتُ لَكَ فَقُلْتُ فَذَلِكَ لَكَ

وَكُنْتُ رَجُلًا عَالِمًا بِالْفَرَائِضِ وَالْوَصَايَا بِصِيرًا بِهَا حَاسِبًا لَهَا أَلْبَثُ
الزَّمَانَ أَطْلُبُ شَيْئًا يُلْقَى عَلَيَّ مِنَ الْفَرَائِضِ وَالْوَصَايَا لَا أَعْلَمُهُ فَلَا أَقْدِرُ
عَلَيْهِ فَلَمَّا أَلْقَى إِلَيَّ طَرَفَ الصَّحِيفَةِ إِذَا كِتَابٌ غَلِيظٌ يُعْرِفُ أَنَّهُ مِنْ كُتُبِ
الْأَوَّلِينَ فَظَنَرْتُ خِلَافَ مَا بِأَيْدِي النَّاسِ مِنَ الصُّلْبِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ
الَّذِي لَيْسَ فِيهِ اخْتِلَافٌ وَإِذَا عَامَّتُهُ كَذَلِكَ فَقَرَأْتُهُ حَتَّى أَتَيْتُ عَلَى
آخِرِهِ بِخُبْرٍ نَفْسٍ وَقِلَّةٍ تَحْقِظُ وَأَسْقَامٍ رَأَيْتُ وَقُلْتُ وَأَنَا أَقْرُوهُ بَاطِلٌ
حَتَّى أَتَيْتُ عَلَى آخِرِهِ ثُمَّ أَذْرَجْتُهَا وَدَفَعْتُهَا إِلَيْهِ فَلَمَّا أَصْبَحْتُ لَقِيتُ أَبَا
جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لِي أَقْرَأْتُ صَحِيفَةَ الْفَرَائِضِ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ كَيْفَ رَأَيْتَ
مَا قَرَأْتَ قَالَ قُلْتُ بَاطِلٌ لَيْسَ بِشَيْءٍ هُوَ خِلَافُ مَا عَلَيْهِ النَّاسُ قَالَ فَإِنَّ
الَّذِي رَأَيْتَ وَاللَّهِ يَا زُرَّارَةُ الْحَقُّ الَّذِي رَأَيْتَ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ
خَطُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ فَاتَّانِي الشَّيْطَانُ فَوَسَّوَسَ فِي صَدْرِي فَقَالَ وَمَا
يُذَرِّيهِ أَنَّهُ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَطُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ فَقَالَ لِي قَبْلَ أَنْ
أَنْطِقَ يَا زُرَّارَةُ لَا تَشْكَنَّ وَدَّ الشَّيْطَانُ وَاللَّهِ أَنَّكَ شَكَكْتَ وَكَيْفَ لَا
أَذْرِي أَنَّهُ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَخَطُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ وَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي
عَنْ جَدِّي أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَهُ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ لَا كَيْفَ جَعَلَنِي
اللَّهُ فِدَاكَ وَتَدَدَّمْتُ عَلَى مَا فَاتَنِي مِنَ الْكِتَابِ وَلَوْ كُنْتُ قَرَأْتُهُ وَأَنَا
أَعْرِفُهُ لَرَجَوْتُ إِلَّا يَفُوتَنِي مِنْهُ حَرْفٌ قَالَ عُمَرُ بْنُ أَدْبَنَةَ قُلْتُ لِرِزْرَارَةَ
فَإِنَّ أَنَا سَأَ حَدَّثُونِي عَنْهُ وَعَنْ أَبِيهِ بِأَشْيَاءَ فِي الْفَرَائِضِ فَأَعْرِضْهَا
عَلَيْكَ فَمَا كَانَ مِنْهَا بَاطِلًا فَقُلْ هَذَا بَاطِلٌ وَمَا كَانَ مِنْهَا حَقًّا فَقُلْ هَذَا

حَقٌّ وَ لَا تَرَوِهِ وَ اسْكُتْ فَحَدَّثْتُهُ بِمَا حَدَّثَنِي بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي الْبِنْتِ وَ الْأَبِ وَ الْبِنْتِ وَ الْأُمِّ وَ الْأَبَوَيْنِ فَقَالَ هُوَ وَ اللَّهُ الْحَقُّ. ^(۱)

زراره می‌گوید: به ابوجعفر امام باقر عليه السلام گفتم سهم جد از میراث نبیره‌اش چیست؟ فرمود: هر کسی که درباره جد فتوا داده به رأی شخصی خود فتوا داده است، جز امیرالمومنین عليه السلام که براساس قرآن فتوا داده است. من گفتم: خداوند شما را سلامت بدارد، مگر امیرالمومنین عليه السلام چه فتوایی داده است؟ ابوجعفر عليه السلام فرمود: فردایا تا فتوای امیرالمومنین عليه السلام را از روی کتاب و نوشته ارائه دهم. من گفتم: خداوند شما را سلامت بدارد اگر برای من حدیث بفرماید تا با گوش خود بشنوم بهتر از آن است که از روی نوشته بخوانم ابوجعفر عليه السلام دوباره فرمود: حرف مرا بشنو. فردا به ملاقات بیا تا از روی نوشته فتوای علی عليه السلام را نشانت بدهم. من فردا بعد از نیمروز به ملاقات امام باقر عليه السلام رفتم وقت ملاقات من همواره بعد از ظهر بود که در فاصله نماز ظهر و عصر شرفیاب می‌شدم چون مایل نبودم سؤالات خود را جز در مواقع خلوت مطرح نمایم که مبادا به خاطر حضور دیگران فتوای تقیه‌آمیزی صادر کند فردا که شرفیاب شدم



ابوجعفر امام باقر علیه السلام روبه فرزندش جعفر نمودند و فرمودند طومار ارث را در اختیار زراره بگذار تا بخواند و خود برخاست تا به اندرون رود و بخوابد من در اطاق بیرونی با حضرت جعفر بن محمد علیه السلام تنها ماندم حضرت جعفر بن محمد علیه السلام برخاست و طوماری ضخیم همانند یک ران شتر آورد و گفت این طومار در اختیار تو قرار نخواهد گرفت جز این که با خدا عهد کنی تا من اجازهات ندهم احکام آن را با هیچ کس در میان ننهی ابدًا و هرگز و نگفت تا پدرم اجازهات ندهد من گفتم خداوند سلامتت بدارد چرا تا این حد مرا در تنگنا می گذاری با آن که پدرت چنین نفرمود. حضرت جعفر بن محمد علیه السلام فرمود تو این طومار ارث را مطالعه نخواهی کرد جز به همین شرط که من می گویم من گفتم باشد شرط تو را پذیرفتم من در آن موقع به مسائل ارث و وصیت آشنا بودم با شناخت کاملی از فرائض ارث و محاسبات دقیقی در سهام آن و همیشه در جستجوی آن بودم که مسئله ای طرح شود که من پاسخ آن را ندانم و به پژوهش و تحقیق در آن بپردازم ولی آن چه مطرح می شد پاسخ همه را می دانستم موقعی که حضرت جعفر بن محمد علیه السلام یک سر طومار ارث را به دست من داد دیدم طومار ضخیمی است که معلوم می شود از آثار پیشینیان است من به قرائت و مطالعه طومار پرداختم ولی مفاد آن را با فقه متداول و معروف

مخالف دیدم حتی در مسائل صله رحم و امر به معروف که مورد اختلاف مردم نیست من هم چنان به مطالعه طومار ادامه دادم تا به آخر رسیدم اما با اضطراب خاطر و بی توجهی به عمق مسائل و بدبینی کامل و هر مسئله‌ای را که خواندم با خود گفتم مردود و باطل است من طومار ارث را درهم پیچیدم و به حضرت جعفر بن محمد علیه السلام دادم فردا که شرفیاب شدم ابوجعفر علیه السلام گفت طومار ارث را خواندی؟ من گفتم: بلی ابوجعفر علیه السلام فرمود: آن را چگونه یافتی؟ من گفتم همه آن باطل است بی ارزش است این طومار با آراء همه مسلمانان مخالف است ابوجعفر علیه السلام فرمود: ولی به خدا سوگند که آن چه را خواندی همه آن بر حق است طوماری که خوانده‌ای با املای رسول خدا صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام تهیه شده است در این موقع شیطان در دل من رخنه کرد و با وسوسه گفت: از کجا می‌تواند تشخیص بدهد که املای رسول خدا صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام است قبل از آن که حرفی بزنم ابوجعفر علیه السلام فرمود: ای زراره مبادا شک کنی به خدا سوگند شیطان دوست دارد که شکاک باشی چگونه تشخیص من صحیح نخواهد بود با آن که پدرم حضرت علی بن الحسین علیه السلام از جدم امام حسین علیه السلام به من خبر داد که امیرالمومنین علیه السلام شخصاً به او گفته است این طومار به خط من و املای رسول خدا صلی الله علیه و آله است من گفتم خداوند مرا فدایت کند دیگر شکی ندارم اما سخت پشیمان

شدم که با بی توجهی کامل طومار ارث را خواندم و نکات آن را از دست دادم اگر با شناخت کامل و علاقه وافر خوانده بودم با حافظه‌ای که در خود سراغ دارم امیدوار بودم که هیچ نکته‌ای را از دست ندهم من به زراره گفتم: جماعتی از ابو عبد الله صادق علیه السلام و از پدرش ابو جعفر امام باقر علیه السلام سهام ارث را روایت کرده‌اند من روایت آنان را بر تو عرضه می‌دارم هر روایتی که باطل باشد بگو این روایت باطل است و آن روایتی که حق باشد بگو حق است اما شخصاً روایت مکن و ساکت باش سپس روایت محمد بن مسلم را در «ارث دختر و پدر» و «ارث دختر و مادر» و «ارث دختر با پدر و مادر» مطرح کردم که با اجازه ابو جعفر امام باقر علیه السلام در طومار ارث مزبور خوانده بود و زراره گفت به خدا سوگند که روایت او برحق است.^(۱)

۴ - [بصائر الدرجات] أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ أَخْرَجَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام صَحِيفَةً فِيهَا الْحَلَالُ وَالْحَرَامُ وَالْفَرَائِضُ قُلْتُ مَا هَذِهِ قَالَ هَذِهِ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ خَطُّهُ عَلِيٌّ علیه السلام بِيَدِهِ قَالَ قُلْتُ فَمَا تُبْلَى قَالَ فَمَا يُبْلِيهَا قُلْتُ وَ مَا تُدْرُسُ قَالَ وَ مَا يَدْرُسُهَا قَالَ هِيَ الْجَامِعَةُ أَوْ مِنَ الْجَامِعَةِ.^(۲)

۱ - ترجمه گزیده کافی جلد ۶ صفحه ۱۲۷.

۲ - بصائر الدرجات صفحه ۱۴۴ باب ۱۲ حدیث ۹ و بحار الانوار جلد ۲۶ صفحه ۲۳

ابوجعفر احوال گفت حضرت امام باقر علیه السلام صحیفه‌ای به من نشان داد که در آن حلال و حرام و فرائض بود گفتم این چیست؟ فرمود: نوشته‌ای است به املاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط حضرت علی علیه السلام گفتم از بین نمی‌رود؟ فرمود: چه چیز می‌تواند آن را از بین ببرد گفتم کهنه و مندرس نمی‌شود گفت: چه چیز می‌تواند آن را کهنه کند فرمود: این جامعه یا از جامعه است. (۱)

۵- [کشف الغمّة] مِنْ كِتَابِ الدَّلَائِلِ لِلْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ذَاتَ يَوْمٍ جَالِساً إِذْ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ هَلْ تَعْرِفُ إِمَامَكَ قُلْتُ إِي وَ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ أَنْتَ هُوَ وَ وَضَعْتُ يَدِي عَلَى رُكْبَتِهِ أَوْ فَخِذِهِ فَقَالَ علیه السلام صَدَقْتَ قَدْ عَرَفْتَ فَاسْتَمْسِكْ بِهِ قُلْتُ أُرِيدُ أَنْ تُعْطِيَنِي عَلَامَةَ الْإِمَامِ قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَيْسَ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ عَلَامَةٌ قُلْتُ أَزْدَادُ إِيْمَانًا وَ يَقِينًا قَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ تَرْجِعُ إِلَى الْكُوفَةِ وَ قَدْ وُلِدَ لَكَ عِيسَى وَ مِنْ بَعْدِ عِيسَى مُحَمَّدٌ وَ مِنْ بَعْدِهِمَا ابْنَتَانِ وَ اعْلَمْ أَنَّ ابْنَيْكَ مَكْتُوبَانِ عِنْدَنَا فِي الصَّحِيفَةِ الْجَامِعَةِ مَعَ أَسْمَاءِ شِيعَتِنَا وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ وَ أَجْدَادِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ وَ مَا يَلْدُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَخْرَجَهَا فَإِذَا هِيَ صَفْرَاءُ مُدْرَجَةٌ. (۲)

⇒ باب ۱ حدیث ۱۶.

۱- ترجمه جلد ۲۳ تا ۲۷ بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۲۹.

۲- بحار الانوار جلد ۴۷ صفحه ۱۴۳ باب ۵ حدیث ۱۹۵ و کشف الغمّه جلد ۲ صفحه



ابوبصیر گوید که یک روزی در خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم ناگاه گفت یا ابامحمد آیا می شناسی امام خود را؟ گفتم بلی واللّٰه الذی لا اله الا هو که آن تویی و دست خود را بر ران مبارک نهادم او فرمود که راست گفתי چون شناختی چنگ در او زن گفتم که می خواهم که اعطا کنی به من علامت امامت، فرمود که یا ابا محمد بعد از معرفت علامت امامت از برای چیست؟ گفتم تا ایمان و یقین من زیاده شود فرمود که یا ابا محمد چون باز می گردی به کوفه مولدی برای تو متولد شده نام او عیسی و بعد از عیسی محمد و بعد از ایشان دو دختر خواهد شد، و بدان که نوشته است نام پسران تو نزد ما در صحیفه جامعه با نام های شیعیان ما و نام های پدران و مادران و اجداد و انساب ایشان و آنچه از ایشان متولد شوند تا روز قیامت و آن صحیفه را بیرون آورد آن صحیفه زرد بود و جمیع این اسماء در آن درج بود.^(۱)

⇒ ۱۹۰ و دلائل الامامه صفحه ۱۲۱.

۱ - ترجمه کشف الغمه جلد ۲ صفحه ۴۲۰.

«قرآن با کلمه»

«ذلک الکتاب» به کتاب علی علیه السلام اشاره نموده است»

۱- [تفسیر العیاشی] عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى أَلَمْ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ قَالَ كِتَابُ عَلِيٍّ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ قَالَ الْمُتَّقُونَ شِيعَتُنَا الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَمِمَّا عَلَّمْنَاهُمْ يَبْتُونَ. (۱)

سعدان بن مسلم از بعضی از اصحاب از امام صادق علیه السلام در خصوص کلام خدای تعالی «أَلَمْ ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ» نقل می کند که امام علیه السلام فرمود: کتاب علی علیه السلام است که در آن شکی

۱- بحار الانوار جلد ۲ صفحه ۲۱ باب ۸ حدیث ۵۹ و تفسیر عیاشی جلد ۱ صفحه ۲۵ حدیث ۱.



نیست و برای متقین هدایت است و فرمود متقین شیعیان ما هستند
کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را به پا می دارند و از آن چه خدا
به آنها روزی داده انفاق می کنند و آنچه از علم که ما به آنها یاد داده ایم
را انتشار می دهند.

«منظور قرآن از

«لا یمسه الا المطهرون» کتاب علی عليه السلام است»

۱ - [الغیبة للنعمانی] عَبْدُ الْوَاحِدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ رَبَاحٍ
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْحَمِيرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ
عَمْرِو الخَثْعَمِيِّ عَنْ حَمَادِ الصَّائِغِ قَالَ سَمِعْتُ الْمُفَضَّلَ بْنَ عُمَرَ يَسْأَلُ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَلْ يَفْرِضُ اللَّهُ طَاعَةَ عَبْدٍ ثُمَّ يَكْنُئُهُ خَبَرَ السَّمَاءِ فَقَالَ
لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام اللَّهُ أَجَلٌ وَ أَكْرَمٌ وَ أَرْأَفُ بِعِبَادِهِ وَ أَرْحَمُ مِنْ أَنْ
يَفْرِضَ طَاعَةَ عَبْدٍ ثُمَّ يَكْنُئُهُ خَبَرَ السَّمَاءِ صَبَاحاً وَ مَسَاءً قَالَ ثُمَّ طَلَعَ أَبُو
الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَسْرُكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى
صَاحِبِ كِتَابِ عَلِيٍّ فَقَالَ لَهُ الْمُفَضَّلُ وَ أَيُّ شَيْءٍ يَسْرُنِي إِذَا أَعْظَمَ مِنْ
ذَلِكَ فَقَالَ هُوَ هَذَا صَاحِبُ كِتَابِ عَلِيٍّ الْكِتَابِ الْمَكْنُونِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ
عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ.^(۱)

۱ - بحار الانوار جلد ۴۸ صفحه ۲۲ باب ۳ حدیث ۳۴ و غیبة النعمانی صفحه ۳۲۶



جماعه صائغ گوید: من شنیدم که مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام می پرسید: آیا خداوند فرمانبرداری از یک بنده را واجب می سازد و بعد اخبار آسمانی را از او پوشیده می دارد؟ امام صادق علیه السلام به او فرمود: خداوند بزرگوارتر و کریم تر و به بندگان دلسوزتر و مهربان تر از آن است که فرمانبرداری از بنده ای را واجب گرداند آن گاه هر بامداد و شام خبرهای آسمانی را از او مکتوم بدارد. ولید گوید: سپس ابوالحسن موسی علیه السلام از راه رسید امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود: آیا خشنود می شوی که به صاحب کتاب علی علیه السلام بنگری؟ مفضل به آن حضرت عرض کرد چه چیزی بیش از این می تواند مرا خوشحال کند پس فرمود: این همان صاحب کتاب علی علیه السلام است آن کتاب مکنونی که خدای عز و جل فرموده است «جز پاکان کسی آن را مس نمی کند».^(۱)

فهرست

موضوع	صفحه
پیشگفتار.....	۵
فهرست خصوصیات کتاب علی علیه السلام که از احادیث و روایات استفاده می شود.....	۱۷
نام های کتاب علی علیه السلام در روایات.....	۱۹
کتاب علی علیه السلام در کتب اهل سنت.....	۲۳
کتاب علی علیه السلام به املاي پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و خط علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد.....	۲۵
در کتاب علی علیه السلام تمام علومى که فرزندان آدم علیه السلام تا روز قیامت به آن محتاجند و تمام فرائض و حلال و حرام الهی، حتی ارش خدش آمده است.....	۳۴
کتاب علی علیه السلام بسیار بزرگ است و با تعبیری چون به طول هفتاد ذراع یا به اندازه ران شتر درباره وزن یا قد آن توضیح داده شده .	۴۶
کتاب علی علیه السلام مأخذ احکام از سوى ائمه اطهار علیهم السلام بوده است.	۵۵



- در کتاب علی علیه السلام خصوصیات انبیاء و داستانها آنها ذکر شده است ۸۹
- در کتاب علی علیه السلام قضایای اقوام گذشته آمده است ۹۳
- در کتاب علی علیه السلام نام خلفاء و ملوک این امت آمده است ۹۸
- در کتاب علی علیه السلام خصوصیات شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام آمده است ۱۰۰
- در کتاب علی علیه السلام شرح و تفسیر و تأویل آیات قرآن است ۱۰۲
- ائمہ اطہار علیہم السلام تابع کتاب علی علیه السلام هستند و از آن تخطی نمی کنند ۱۰۵
- کتاب علی علیه السلام نزد امام هر زمانی موجود است ۱۰۶
- کتاب علی علیه السلام را بعضی از اصحاب دیده اند ۱۱۰
- قرآن با کلمه ذلک الکتاب به کتاب علی علیه السلام اشاره نموده است ۱۲۰
- منظور قرآن از لایمسه الا المطهرون کتاب علی علیه السلام است ۱۲۲
- فهرست ۱۲۴



ISBN 978-904-8331-70-2



9 789046 331792